

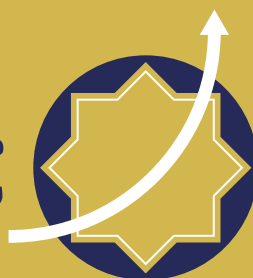
# رهیافت‌هایی برای دولت چهاردهم در حوزه سیاست خارجی

با تمرکز بر مسأله تحریم



خرداد ۱۴۰۳

مرکز تحلیل  
راهبردی و بین‌المللی





## فهرست

صفحه	عنوان
۲	پیشگفتار
۳	خنثی‌سازی تحریم، ضرورت پیشرفت ایران
۵	نگاهی اجمالی به وضعیت تحریم‌ها و لزوم تاسیس مرکز رصد و پایش تحریم‌ها
۹	بررسی آزادسازی پول‌های مسدودشده ایران ذیل نظام تحریمی آمریکا
۱۳	تداوم وابستگی توسعه بندر چابهار به لغو تحریم‌های آمریکا
۱۶	رویکرد ایران در مذاکرات لغو تحریم
۲۰	لزوم مراقبت از ایجاد اختلال در روابط خارجی راهبردی کشور
۲۲	با FATF چه باید کرد؟
۲۵	فرصت تبدیل شدن ایران به هاب غلات و کود با تغییر معادلات جهانی در عرصه امنیت غذایی
۲۷	لزوم اتخاذ الگوی صحیح در روابط راهبردی ایران و چین
۳۰	لزوم استفاده از فرصت مقابله‌ی اقتصادی و سیاسی با رژیم صهیونیستی





## باسمه تعالی

### پیشگفتار

جهان در حال تجربه‌ی تحولاتی مشهود در مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی است؛ تغییراتی که به تدریج به تغییر نظم جهانی موجود منجر خواهد شد. از سویی، معادلات قدرت قدیمی و پرسابقه، ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نظامات دیرینه‌ی نظامی، اقتصادی و امنیتی با سر بر آوردن قدرت‌های نوظهور و شرایط جدید، با چالش مواجه شده‌اند و از سوی دیگر، این امر منجر به ظهور نظامات پیچیده و درهم‌تنیده‌ی نوین و شکل‌گیری هم‌پیمانی‌ها و اتحادهای جدید شده است. در نتیجه، اندیشمندان و در پی آن‌ها رهبران سیاسی باید با شناخت فضای جدید، خود را با اصول و ابعاد آن وفق داده و اولویت‌های خود در همکاری با کشورها را مورد بازبینی قرار دهند. در این جهان در حال گذار و مملو از عدم قطعیت، داشتن نگاه راهبردی و آینده‌نگر و گذر از روش‌ها، سازوکارها و پیوندهای قدیمی امری ضروری در تعیین سرنوشت ملت‌هاست.

با این نگاه، جمهوری اسلامی ایران باید با روشن‌بینی و آگاهی کامل، برنامه‌های آینده‌ی خود در حوزه‌ی سیاست خارجی را طراحی و تنظیم کند. پیش‌بینی می‌شود که مسائلی چون ماندگاری تحریم‌ها، نسبت کشور با آمریکا به عنوان نقطه‌ی اصلی تقابل در سیاست خارجی، پیشرفت و توسعه با کمک‌گیری از امکانات و فرصت‌های نوظهور پیش روی کشور در خارج از مرزها، همکاری‌ها و هم‌پیمانی‌های جدید، تقویت محور مقاومت و اتخاذ رویکرد تهاجمی نسبت به رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین سرفصل‌های سپهر سیاست خارجی کشور در سال‌های آتی باشد. کتابچه‌ی پیش رو در پی آن است تا اولاً مسائلی پیش روی کشور در حوزه‌ی سیاست خارجی در آینده‌ی کوتاه‌مدت و میان‌مدت را برشمرد و سپس درباره‌ی هرکدام توضیحات و توصیه‌هایی را ارائه دهد.





## خنثی سازی تحریم ضرورت پیشرفت ایران

### مقدمه

جمهوری اسلامی ایران از اواخر دهه هشتاد شمسی با پدیده تحریم‌ها به صورت تشدید شده مواجه بوده و توافق هسته‌ای ایران و آمریکا +5 موسوم به برجام نیز نتوانست مشکل تحریم را برای ایران رفع کند، بلکه ایران در سال‌های ۹۷ و ۹۸ با فشار حداکثری آمریکا مواجه شد. علی‌رغم برخی تصورات در ایران، تغییر رئیس جمهور آمریکا نیز اثری بر سیاست تحریمی دولت آمریکا علیه ایران نداشت و بایدن نیز به طور کامل سیاست فشار حداکثری ترامپ را در قبال ایران دنبال نمود. می‌دانیم که به طور کلی تحریم در حوزه‌هایی مانند درآمد ارزی و دسترسی به منابع ارزی، روابط بانکی خارجی، تجارت خارجی، جذب سرمایه‌گذاری و تامین مالی خارجی و دسترسی به فناوری‌ها و تجهیزات پیشرفته محدودیت ایجاد کرده است. در سطحی بالاتر تحریم به دنبال حذف ایران از معادلات و تحولات کلان ژئوپلیتیک در منطقه غرب آسیا است. لذا «مقابله با تحریم» برای اداره کشور و نقش‌آفرینی در دنیای در حال تغییر از ضرورت‌های دولت چهاردهم است.

یکی از ویژگی‌های مثبت دولت شهید رئیسی این بود که با بررسی دقیق تجربه دولت یازدهم و دوازدهم در تقلیل «مقابله با تحریم» به «مذاکره برای رفع تحریم» و خسارت‌های ناشی از آن که سبب معطلی کشور و عدم حل مشکلات ناشی از تحریم گردید، اداره کشور و سفره مردم را معطل مذاکرات نکرد و با «فرض ماندگاری تحریم» برای کشور برنامه‌ریزی کرد. دولت شهید رئیسی در تحریم شکنی یا همان دور زدن تحریم بسیار موفق عمل نمود. «تحریم شکنی» یا «دور زدن تحریم» به معنای طراحی «نقطه فریب» در چارچوب نظام‌های متعارف اقتصادی و مالی است که با پنهان یا مخدوش کردن اطلاعات به طرق مختلف، روابط اقتصادی را شکل می‌دهد. مخاطراتی مانند شناسایی و ضربه خوردن از نظام تحریم، افزایش هزینه‌های مبادلات و بروز فساد «تحریم شکنی» را تهدید می‌کند. در دولت سیزدهم رشد قابل توجه تجارت خارجی و فروش نفت خام، توسعه مویری صادرات و ایجاد درآمد ارزی متنوع از مثال‌های قابل توجه آن است. این موفقیت سبب افزایش درآمدهای ارزی دولت و توان مدیریت بازار ارز را افزایش داده است. اما در دولت سیزدهم توجه کافی و مورد نیاز به موضوع خنثی‌سازی تحریم نشد. «خنثی‌سازی تحریم» به معنای طراحی و پیاده‌سازی سازوکارها و ابزارهایی در روابط اقتصادی خارجی است که نسبت به تحریم مصون باشد. به این معنا که زمین بازی روابط اقتصادی خارجی بیرون از زمین‌بازی تحت تسلط آمریکا و متحدانش طراحی شود. این کار پیش‌نیاز پیشرفت کشور است. یک کشور می‌تواند با تکیه بر «تحریم شکنی» «بقای» خود را تضمین کند اما برای «پیشرفت» باید به سمت «تحریم ناپذیر» کردن اقتصاد حرکت کند و نیازمند وجود یک نگاه جامع به این موضوع و رصد مستمر پیشرفت طرح‌های ذیل آن است. تحولات چند سال اخیر در صحنه بین‌الملل و منطقه غرب آسیا نیز نشان داده که می‌توان بخش مهمی از «تحریم ناپذیری» را در «جانمایی جدید در اقتصاد بین‌الملل و منطقه» به معنای ایجاد پیوندهای راهبردی میان ایران و بازیگران همسو و همسایه در صحنه بین‌الملل دنبال نمود.





## توصیه‌ها

دولت چهاردهم باید برای پیشبرد طرح‌های مرتبط با این موضوع برنامه داشته باشد. برخی از طرح‌هایی که در این رابطه قابل طرح است:

- «حضور در زنجیره ارزش دنیای جدید» باید توجه داشت که روابط اقتصادی جدید و زنجیره‌های ارزش جدید در حال شکل‌گیری است. اعمال تحریم‌های گسترده علیه روسیه، گسترش تحریم‌ها علیه چین و پیگیری سیاست derisking از سوی آمریکا و متحدانش علیه چین، سبب شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش جدیدی شده است که ایران این فرصت را پیش‌روی خود دارد تا در این زنجیره‌ها نقش آفرینی کند. برای نمونه فرصت قرارگیری ایران در زنجیره ارزش غذا در همکاری با روسیه یکی از این فرصت‌هاست.
- «انطباق نقشه ارزی و تجاری کشور» به عنوان یک راه‌کار موثر در راستای «تحریم ناپذیری» از سال ۱۴۰۱ مطرح و دنبال شده است. ایده اصلی در این راه‌کار ایجاد انطباق میان منابع ارزی تولید شده و مصارف ارزی مورد نیاز است تا فشار کمتری بر بازار ارز وارد شود و ضربه‌پذیری نظام ارزی کشور از تهدیدهای خارجی کاهش یابد. در گام اول باید مبادی وارداتی و نوع ارز مورد استفاده برای تسویه کالاهای اساسی اصلاح شود.
- «تهاتر» به عنوان روشی برای بهینه کردن تجارت خارجی در زمان دسترسی نداشتن به ارز جهان‌روا مطرح است. برای گسترش تهاتر نیازمند دور شدن از نگاه‌های بخشی و کنارهم دیدن صادرات و تولید ارز و واردات و مصرف ارز هستیم.
- «پیمان‌های پولی دوجانبه» که از سوی بانک مرکزی دنبال شده و بر پایه استفاده از ارزهای ملی در تسویه تجارت استوار است. با کشور روسیه اجرایی شده است و بخشی از تجارت با این کشور از این طریق تسویه شده است. کشورهای دیگر استفاده وسیعی از این ابزار می‌کنند. برای نمونه بیش از ۹۰ درصد تجارت میان روسیه و چین با ارزهای ملی تسویه می‌شود.
- «جذب سرمایه و تامین مالی خارجی از کشورهای همسوس» یکی از راه‌کارهای مهم برای افزایش رشد اقتصادی است که بر «تحریم ناپذیری» اقتصاد کشور نیز موثر است. دولت چهاردهم با ایجاد انسجام در بدنه دولت و انتخاب‌های درست در صحنه خارجی می‌تواند سقف جدیدی از جذب تامین مالی خارجی را ایجاد کند.

### نویسنده

مسعود براتی - مشاور مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل





## نگاهی اجمالی به وضعیت تحریم‌ها و لزوم تاسیس مرکز رصد و پایش تحریم‌ها

### مقدمه

پس از سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)، آمریکا رویکرد دوگانه فشار در کنار مذاکره را به عنوان راهبرد اصلی خود علیه ایران انتخاب کرد. این انتخاب بر محور شروع نسل دوم تحریم‌های ثانویه بانکی و تحریم‌های نفتی استوار بود. استفاده از این ابزار با تکیه بر حاکمیت نظام مالی آمریکا برای اولین بار علیه یک کشور، با هدف کاهش درآمدهای ارزی و افزایش فشار اقتصادی بر مردم ایران و تسلیم حاکمیت در مقابل خواست آمریکا در اثر فشار و شکاف اجتماعی اعمال شد. همان‌طور که مرکز امنیت نوین آمریکا در گزارش خود با عنوان «تحریم به روایت اعداد: تحریم‌های ثانویه آمریکا» عنوان می‌کند اگرچه از سال ۲۰۱۰ اعمال این نوع از تحریم‌ها علیه ایران شروع شد. اما اعمال این تحریم‌ها در حال گسترش است و مورد حمایت کنگره آمریکا نیز هست و تا زمانی که رهبری اقتصادی آمریکا وجود دارد، استفاده از این ابزار جذابیت خود را در سیاست‌گذاری آمریکا از دست نخواهد داد. تحریم‌هایی که براساس حاکمیت دلار، تسلط بر رهگیری مالی و بدون نیاز به مصوبات شورای امنیت با هدف افزایش فشار اجتماعی اعمال می‌شود.

### تجربه گذشته ایران در مواجهه با این نوع تحریم

ایران اگرچه به مرور و از اواسط سال ۲۰۱۲ میلادی با استفاده از روش‌های موازی با ساختار رسمی پولی بانکی توانست به ثبات برسد، اما فضای سیاسی و افکار عمومی ایران را به سمت تعامل با غرب و توافق برجام سوق داد. برجام تحریم‌های ریسک‌محور بانکی را رفع نکرد به همین دلیل نتوانست تاثیر اقتصادی چندانی در ایران بگذارد. علاوه بر این به دلیل بازگشت ایران به ساختار رسمی مالی، کم فروغ شدن ساختارهای موازی برای دور زدن تحریم و متاثر شدن فضای اجتماعی از تعامل با غرب، اقتصاد ایران به شدت از حوادث سیاسی و سیاست‌خارج متاثر شد. به گونه‌ای که شک ناشی از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ علی‌رغم رد این اقدام از سوی همه کشورهای دنیا اثر اقتصادی شدیدتری نسبت به تحریم‌های سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ داشت. البته با گذشت زمان و به دلیل ویژگی ذاتی تحریم و همچنین تمایل مجدد ایران برای احیای ساختارهای موازی مالی اثر تحریم‌ها کاهش بیشتری یافت و اکنون ایران با افزایش فروش نفت و درآمدهای ارزی روبه‌رو است.

### راهبرد تحریمی غرب علیه سایر کشورها، به خصوص روسیه

اتفاقات اخیر در دنیا، نوید نظم نوینی را در آینده می‌دهد. آمریکا برای جلوگیری از نزول هژمونی خود همچنان در تلاش است تا از طریق تحریم بر کشورهای رقیب فشار وارد کند. به طور مشخص پس از جنگ اوکراین اعمال تحریم بر روسیه شدت گرفت. آمریکا بسیاری از بانک‌ها و موسسات مالی روسیه را براساس دستوراجرائی ۱۴۰۲۴ و ۱۳۶۸۵ شامل تحریم‌های قاعده‌محور ثانویه بانکی کرده است.





در آخرین اصلاحیه دستوراجرای ۱۴۰۲۴، آمریکا پا را فراتر گذاشت و بسیاری از بخش‌های اقتصاد روسیه را همانند ایران شامل تحریم‌های ریسک‌محور بانکی کرد. این موضوع در کنار اعمال سیاست سقف قیمت در تحریم نفت و فرآورده نفتی دریایی روسیه منجر به فاصله گرفتن حداکثری بزرگ‌ترین صادرکننده نفت دنیا از نظامات مالی غرب می‌شود. اگرچه در مواردی تحریم‌های اعمالی بر روسیه از نظر ساختاری با ایران متفاوت است، اما طرح کلان آن یعنی استفاده از سلطه غرب بر نظامات مالی و هدف قراردادن منبع اصلی درآمد کشور هدف شبیه به همان طرح کلان تحریم‌های اعمالی علیه ایران بوده است. اتفاقی که به نظر می‌رسد در مورد سایر کشورها نیز تکرار شود.

### افزایش نیاز به رصد تحریم‌ها و همکاری دانشی

افزایش روزافزون استفاده از تحریم، نقش تحریم‌ها در برجسته شدن ضعف‌های اقتصادی داخلی و به تبع آن ایجاد نارضایتی در جامعه یکی از موضوعات اصلی سیاست‌خارج غرب و مشخصاً آمریکا است. علی‌رغم این اتفاقات، شناخت تحریم در ایران در سطوح کلان دنبال نمی‌شود. چنانکه در برجام عدم شناخت تحریم‌ها باعث شد تا تحریم‌های اصلی باقی بماند. لذا ایران به عنوان هدف تحریم‌های برای کاهش اثرات تحریم باید رصد دائمی از تحریم و افزایش شناخت از آن داشته باشد. به خصوص که این اقدام می‌تواند باعث افزایش همکاری دانشی با سایر کشورهای هدف تحریم از جمله روسیه انجام شود.

سایر کشورهای هدف تحریم نیز دارای مزیت‌هایی هستند که و ایران طی همکاری می‌تواند از این مزیت‌ها برای کم کردن اثر تحریم و همچنین فشار بر تحریم‌کنندگان استفاده کند. همه این مسائل، لزوم ایجاد مرکزی برای رصد و پایش مدام تحریم‌ها، راهبردهای تحریمی جدید، اثر آن‌ها بر اقتصاد داخلی و راه‌های مقابله آن را نشان می‌دهد.

### مرکز رصد و پایش تحریم‌ها

مرکز رصد و پایش تحریم‌ها وظیفه دارد تا تحریم‌ها را دائماً رصد کند و پیشنهادهایی در خصوص آن‌ها ارائه کند. این رصد باید از زوایای مختلف به شرح زیر انجام شود:

- **رصد تحریم‌ها از زاویه راهبردی:** اینکه تحریم‌ها با حوزه اثر مختلف با چه هدفی انجام می‌شود یکی از مهم‌ترین زاویه تحلیل و رصد تحریم‌ها است. لذا بررسی راهبرد کلان تحریم‌ها با تغییر سیاست تحریمی بسیار اهمیت دارد.
- **رصد تحریم‌ها از زاویه فنی و تکنیکی:** هر راهبرد تحریمی، برای اینکه بتواند اثرات خود را به خصوص در حوزه اقتصادی به جا بگذارد، دارای ابعاد فنی و الزامات خاصی است و تغییر در سیاست تحریمی با تغییرات فنی در این زمینه همراه خواهد بود. مثلاً پس از سال ۲۰۱۰، بانک‌های دنیا مسئول خدمات ندادن به نهادهای تحریمی شدند. شناخت تکنیک‌های اعمال تحریم یکی از مهم‌ترین اقدامات مرکز رصد و پایش تحریم‌هاست.





- **رصد تحریم‌ها از زاویه حقوقی:** همه آنچه طرف مقابل انجام می‌دهد هم از منظر حقوقی در خود کشورهای تحریم کننده و هم از منظر حقوق بین‌الملل الزاماتی دارد. به طور مثال عدم توان رئیس‌جمهور آمریکا در لغو قوانین کنگره از نظر حقوق داخلی این کشور، نشان می‌دهد که تحریم‌های کنگره که مهم‌ترین تحریم‌ها هستند و تنها در صورت عزم جدی آمریکا قابل لغو شدن است. در غیر این صورت با توقف‌های موردی و زمان دار که از نظر حقوقی در اختیار رئیس‌جمهور آمریکا است، اتفاق معناداری در حوزه اقتصاد رخ نمی‌دهد.
- **بررسی آثار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تحریم‌ها:** یکی دیگر از وظایف اصلی مرکز رصد و پایش تحریم‌ها بررسی ابعاد اثرگذاری تحریم‌ها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای است. این مهم از یک سو با عنایت به ابعاد فنی تحریم‌ها مشخص می‌شود و از طرف دیگر با گرفتن نظرات دستگاه‌ها و افراد و نهادهای دخیل با موضوع به صورت واقعی. بنابراین باید اثرات تحریم‌ها هم به صورت میدانی و هم با توجه به شاخصه‌های فنی و حقوقی توسط این مرکز مشخص شود.
- **بررسی راه‌های مقابله با تحریم‌ها:** مقابله با تحریم‌ها نیز دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای است. بنابراین شناخت تحریم و اثرات آن از یک سو و تصمیم‌گیری کوتاه، میان و بلندمدت و فراگیر برای مقابله با آن شامل بررسی و اقدامات داخلی نظیر کنترل نقدینگی و تغییرات نقشه تجاری از نظر کالا و مقصد تا مدیریت بین‌المللی اقتصادی نظیر بهره‌گیری از شبکه‌های مالی متنوع برای دسترسی ارزی و همچنین کمک گرفتن از روش‌های به‌کارگیری شده توسط بخش خصوصی در کنار اتخاذ و پیشنهاد راهبردهای سیاسی و رسانه‌ای برای به ثمر نشستن راه‌های مقابله با تحریم‌ها از دیگر کارویژه‌های مهم مرکز رصد و پایش تحریم‌هاست.

### ساختار مرکز رصد و پایش تحریم‌ها

- به نظر می‌رسد مرکز هماهنگی رصد و پایش تحریم‌ها باید ذیل دفتر رئیس‌جمهور برای ارتباط با سایر کشورها و همچنین به عنوان یک مرکز فرابخشی برای هماهنگی وزارتخانه‌های مختلف ایجاد شود. اما با توجه به اهداف این مرکز، این ساختار کلان باید دارای دو بازو در ساختار وزارت خارجه و وزارت اقتصاد با کارویژه‌های مشخص باشد. بنابراین ساختار مرکز رصد و پایش تحریم‌ها می‌تواند به شرح زیر باشد:
- **مرکز رصد و پایش وزارت خارجه:** مرکز رصدی واقع در وزارت خارجه وظیفه دارد، با رصد مدام تحریم‌ها از زاویه راهبردی، فنی و حقوقی که در شرح وظایف تعریف شد، اثرات اقتصادی تحریم‌ها را از زاویه فنی و حقوقی و همچنین اهداف سیاسی اجتماعی آن بررسی کند و با رصد دائم، گزارش این موضوعات را به دستگاه‌های مرتبط و مشخصاً دفتر هماهنگی و مرکز رصدی واقع در وزارت اقتصاد ارائه کند و از گزارش‌های آن‌ها نیز بهره‌مند شود و نظرات اصلاحی و ایجابی خود را در این موضوعات به دفتر هماهنگی ارائه کند.







- **مرکز رصد و پایش وزارت اقتصاد:** مرکز رصدی وزارت اقتصاد نیز وظیفه دارد، ضمن اخذ گزارش‌های مرکز رصدی وزارت خارجه، با توجه به شاخصه‌های اقتصادی، ضعف‌های داخلی و همچنین کسب اطلاع از واقعیت‌های میدانی واقع در اقتصاد کشور و کسب اطلاع از نظرات فعالین اقتصادی اثرات اقتصادی تحریم‌ها را بررسی کند و گزارش آن را به مرکز رصدی وزارت خارجه و دفتر هماهنگی در دفتر ریاست جمهوری ارائه کند و با بهره‌مندی از نظرات آن‌ها پیشنهادهای اصلاحی و ایجابی خود را در این زمینه به دفتر هماهنگی ارائه کند.
- **دفتر هماهنگی مرکز رصد و پایش تحریم‌ها:** دفتر هماهنگی مرکز رصد و پایش تحریم‌ها باید در دفتر ریاست جمهوری و با اختیارات کافی و چابک با شکل‌دهی جلسات مستمر با حضور همه دستگاه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مرتبط با موضوع و بررسی گزارش‌های دو مرکز رصدی تصمیم‌سازی‌های فوری را برای رفع مشکلات ناشی از تحریم انجام دهد و این تصمیمات به عنوان اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای به دستگاه‌های مرتبط ارائه شود. این دفتر همچنین می‌تواند زمینه همکاری دانشی و همکاری‌های بین‌المللی ایران با سایر کشورهای تحریم‌شده از جمله روسیه را به صورت جدی فراهم کند.

#### نویسنده

سید حامد ترابی - مسئول محور ماهیت تحریم





## بررسی آزادسازی پول‌های مسدودشده ایران ذیل نظام تحریمی آمریکا

### مقدمه

یکی از چالش‌های ایران در حوزه ارزی، پول‌های مسدودشده ایران در سایر کشورهاست. این پول‌ها معمولاً در حساب امانی<sup>۱</sup> نگه‌داری می‌شوند. حسابی که باید در ازای آن کالا دریافت شود. ایران در طی یکی دو سال گذشته تلاش داشته تا با مجوز خزانه‌داری آمریکا، از این پول‌ها برای واردات کالا استفاده کند. میزان کارآمدی این روش یکی از چالش‌های پیش‌روی دولت است که باید به ابعاد آن از جهت فنی پرداخته شود.

### علت مسدود شدن دارایی‌های ایران

مسدود شدن دارایی‌های ایران در کشورهای دیگر، عمدتاً به دلیل تحریم‌های بانکی و نفتی یکجانبه آمریکا پیش از برجام و همچنین در دوره اجرای برجام است. پیش از برجام و براساس «قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی (ان‌دی‌ای) ۲۰۱۲ (NDAA)»<sup>۲</sup> و اصلاح آن در «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه (ترا) ۲۰۱۲ (TRA)»<sup>۳</sup> آمریکا به برخی کشورها به صورت محدود اجازه واردات نفت ایران را با مجوز این کشور می‌داد. اما پول حاصل از آن به ارز محلی در «حساب امانی» کشور خریدار نگه‌داری می‌شد و ایران تنها در ازای آن می‌توانست کالای مصرفی غیرتحریمی با مجوز آمریکا از کشور خریدار نفت وارد کند. ایران نمی‌توانست پول را جابه‌جا کند، یا به ارزی غیر از ارز کشور خریدار نفت برای خرید کالا از کشور دیگر تبدیل کند؛ چراکه انجام این کار برای موسسات مالی کشور خریدار به معنی حذف از نظام مالی آمریکا بود.

در دوره اجرای برجام فروش نفت ایران آزاد بود، اما تحریم‌های ثانویه بانکی ریسک‌محور همچنان اعمال می‌شد. به عبارت دیگر، بانک‌ها و موسسات کشورهای خریدار نفت یا سایر محصولات ایران برای اینکه بخواهند پول را آزادانه در اختیار ایران قرار دهند محدود بودند. چراکه هرگونه انتقال پول مشروط به این بود که در سلسله تراکنش‌های بانکی هیچ اثری از اشخاص حقیقی/حقوقی تحریمی نباشد. با توجه به این شرط و قراردادن تعداد زیادی از اشخاص حقیقی/حقوقی مرتبط با ایران در لیست تحریم، بانک‌ها و موسسات مالی خارجی به دلیل ترس محرومیت از نظام مالی آمریکا در صورت تبادل پول و بانکی برای ایران، از انجام این کار سرباز می‌زدند و پول‌های ایران در مواردی مسدود باقی می‌ماند. پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها، فروش نفت ایران به طور کلی ممنوع شد و ایران پول فروش نفت خود را از طرق غیررسمی و غیربانکی مرسوم دریافت می‌کرد و پول‌ها مسدود نمی‌شد.

۱. escrow account

۲. National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2012

۳. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012





چنانکه دکتر زنگنه وزیر نفت سابق ایران نیز به این نکته اشاره کرده بود که هرچه نفت در دوران تحریم پس از برجام به فروش رفته بود از نظر مالی تسویه شده و پول‌های بلوکه شده مربوط به قبل از آن است.<sup>۴</sup> در دوران اعمال مجدد تحریم‌ها، تنها دو دسته از پول‌های ایران برای مصرف نیازمند مجوز آمریکا بودند. دسته اول پول‌های مسدود باقی مانده از دوران اجرای برجام در ساختار رسمی که نمونه مهم آن پول‌های مسدود شده ایران مربوط به فروش میعانات گازی به کره جنوبی بود. دسته دوم صادراتی بود که از طریق رسمی و ذیل ساختار تحریمی آمریکا انجام می‌شد، که نمونه آن فروش برق و گاز به عراق بود.

### تجربه آزادسازی پول‌های مسدود شده ایران در کره جنوبی

ایران برای استفاده از پول‌های مسدود شده در کره به توافقی با آمریکا در ازای آزادسازی برخی زندانیان دست یافت. بر این اساس پول‌های ایران در اروپا از وون تبدیل به یورو شد و در حسابی در بانک سوئیس<sup>۵</sup> و سپس در اختیار بانک‌های قطری قرار گرفت، که معنای آن قرار گرفتن پول در حساب بانک‌های قطری در سوئیس است. در نهایت نیز ۶ بانک ایرانی با باز کردن حساب در بانک‌های قطری درخواست پرداخت این پول را برای واردات دارو، غذا و کالاهای غیرتحریمی می‌دهند.<sup>۶</sup> باتوجه به اینکه اقدامات فوق همگی برخلاف ساختار تحریمی آمریکا است، آمریکا باید برای واردات کالا در ازای پول، مجوز موردی صادر کند. این اقدام همچنان در چارچوب رسمی ذیل نظام تحریمی آمریکا انجام شده است. مقامات آمریکایی نیز تاکید دارند که استفاده از این پول‌ها مشروط به مجوز آمریکا و ذیل الزامات تحریمی این کشور است.<sup>۷</sup> این اتفاق باعث می‌شود واردات کالای اساسی و تسویه درآمدهای ارزی ایران با تکانه‌های سیاسی و نظر دولت آمریکا دچار چالش شود. چنانکه پس از عملیات طوفان الاقصی، مقامات آمریکایی اعلام کردند به دلیل این عملیات، اجازه دسترسی ایران به ۶ میلیارد دلار ایران در قطر را نخواهند داد.<sup>۸</sup>

۴. زنگنه: پول نفت‌هایی که در تحریم فروختیم را گرفتیم، ۱۱ بهمن ۱۳۹۹

[yun.ir/mekis7](http://yun.ir/mekis7)

۵. شیوه واریز منابع ارزی آزاد شده از کره به حساب چند بانک ایرانی، ۲۰ مرداد ۱۴۰۲

<http://fna.ir/3e650s>

۶. منابع ارزی توقیف شده ایران در کره جنوبی آزاد شد، ۲۱ مرداد ۱۴۰۲

<http://fna.ir/3e6dl4>

ایالات متحده با ایران به توافق می‌رسد تا آمریکایی‌ها را در ازای دریافت وجه آزاد کند، ۱۹ مرداد ۱۴۰۲؛

<https://www.nytimes.com/10/08/2023/us/politics/iran-us-prisoner-swap.html>

۷. رئیس‌جمهور ایران می‌گوید تهران ۶ میلیارد دلار آزاد شده را برای تبادل زندانیان «هر کجا که نیاز داشته باشیم» هزینه می‌کند؛ مقامات دولت بایدن گفته‌اند که وجه، درآمد حاصل از فروش نفت ایران به کره جنوبی، فقط می‌تواند صرف اهداف بشردوستانه شود، ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۳

<https://www.nbcnews.com/news/world/iranian-president-says-tehran-will-spend-6-billion-released-prisoner-e-rcna104475>

کانال بشردوستانه در قطر ۶ میلیارد دلار از وجه انتقال داده شده بر اساس قرارداد آزادسازی شهروندان آمریکایی که به اشتباه در ایران نگهداری می‌شدند را مدیریت می‌کند، ۲۱ سپتامبر

۲۰۲۳؛

<https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=a539a39-370d4-7dce-54-9283a3b593f464>

۸. آمریکا می‌گوید ایران به این زودی نمی‌تواند به ۶ میلیارد دلار خود در قطر دسترسی پیدا کند، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳

<https://www.reuters.com/world/us-us-signals-iran-wont-access-its-6-bln-qatar-any-time-soon-12-10-2023/>





## تجربه وصول درآمدهای حاصل از فروش برق و گاز به عراق

در سال‌های اخیر تسویه درآمد حاصل از فروش برق و گاز ایران با واسط بانک TBI عراق و در چارچوب رسمی ذیل نظام تحریم آمریکا انجام شده است. در این چارچوب، مطالبات ایران در «حسابی امانی» نگهداری می‌شود و در مقابل، با رعایت الزامات تحریمی آمریکا تنها کالاهای بشردوستانه به ایران صادر می‌شود. ایران که به علت وابستگی عراق به ایران در تامین برق و رابطه واقعی شکل گرفته، می‌توانست رابطه‌ای تحریم‌ناپذیر را توسعه دهد و در ساختارهای موازی همانند نفت اقدام به وصول مطالبات کند، متأسفانه در سال ۱۳۹۹ با بانک TBI عراق برسر اجرای مدل «حساب امانی» توافق رسید. بنابراین خرداد ۱۳۹۹، پس از سفر همتی رئیس کل وقت بانک مرکزی به عراق، توافقی بین ایران و عراق انجام شد که براساس آن ایران در ازای صادرات برق و گاز به این کشور و نگهداری درآمد حاصل از آن در بانک TBI عراق، غذا و دارو را با واسطه از عراق وارد می‌کند.

با انجام این اقدام، وصول مطالبات ایران از عراق نیز به چالش جدی تبدیل شد. با توجه به الزامات تحریمی برای بانک TBI، وصول مطالبات ایران از عراق نیز دائماً به تاخیر افتاد به نحوی که فروردین ۱۴۰۲، سفیر ایران در عراق اعلام کرد بیش از ۱۰ میلیارد دلار از مطالبات ایران ناشی از فروش برق و گاز به این کشور همچنان وصول نشده باقی ماند.<sup>۹</sup> در پی این اتفاق ایران به توافقات اولیه برای دسترسی به پول‌های بلوکه شده خود در عراق با استفاده از روش تهاجر با مازوت سنگین و نفت رسیده بود. اتفاقی که می‌توانست منجر به فروش محصول با ارزشی همچون مازوت شود و درآمد آن به راحتی در نظام پرداخت‌های موازی در اختیار ایران قرار گیرد. اما ایران به مدلی همچون تسویه پول‌های مسدودشده خود در کره راضی شد و قرار شد بخشی از پول‌های مسدودشده ایران در عراق با واسطه‌ی عمان در اختیار ایران قرار گیرد. اقدامی که مقامات آمریکایی ضمن تایید، از آن استقبال کردند. چنانکه سخنگوی وزارت خارجه آمریکا مدعی شد:

*« ما معتقدیم این یک گامی مهم برای خروج این پول از عراق است زیرا ایران از این پول به عنوان یک اهرم علیه کشور همسایه خود استفاده می‌کند.»<sup>۱۰</sup>*

این اتفاق به دلایلی که گفته شد، مجدداً نیازمند مجوز موردی آمریکاست. برخی اخبار غیررسمی حکایت از آن دارد که ماجرای پول قطر در عمان نیز تکرار شده است. بانک صحرای عمان علی‌رغم اخذ مجوز برای انجام دو تبادل بانکی، در ادامه موفق به اخذ این مجوز نشده و بخشی از طلب ایران از عراق که به حساب بانک صحرای عمان رفته است، به دلیل عدم اخذ مجوز مجدد از آمریکا همچنان مسدود باقی مانده است. می‌کند.

۹. سفیر ایران در بغداد بدهی ۱۰ میلیارد دلاری عراق را تایید کرد، ۳۱ فروردین ۱۴۰۲

<http://fna.ir/3bus84>

۱۰. واشنگتن: با عراق از نزدیک برای انتقال پول ایران در ارتباط هستیم، ۱۲ مرداد ۱۴۰۲

<https://www.yjc.ir/fa/news/8511185>





## نتیجه‌گیری

نیاز به مجوز آمریکا برای نقل و انتقال پول، ساختار تسویه مالی ایران را همچنان ذیل اعمال قدرت آمریکا نگه می‌دارد. این اتفاق دسترسی‌های ارزی و واردات کالای را با مشکل روبه‌رو می‌کند. چنانکه بانک «وارن‌گلد» آلمان که واسط تسویه مالی محصولات حقوق بشری مجاز ایران در اروپا است، به بهانه پولشویی و ذیل قوانین تحریمی، رابطه خود با ایران را قطع کرد.<sup>۱۱</sup>

بنابراین آنچه به صورت راهبردی برای ایران اهمیت دارد و می‌تواند فشار اقتصادی را به صورت پایدار از ناحیه تحریم‌ها کم کند، دسترسی به منابع خارج از نظام تحت نظر آمریکا و با استفاده از روش‌های موازی شامل استفاده از شبکه بانکی خارج از چارچوب مرسوم، عدم استفاده از سوئیفت و موارد این‌چنینی است.

### نویسنده

سید حامد ترابی - مسئول محور ماهیت تحریم

۱۱. یک بانک آلمانی به دلیل «احتمال پولشویی» از ارتباط با جمهوری اسلامی منع شد، ۱۳ مرداد ۱۴۰۲

<https://ir.voanews.com/a/banning-german-bank-warren-gold-transaction-with-iran/۲۲۱۱۴۹۶.html>





## تداوم وابستگی توسعه بندر چابهار به لغو تحریم‌های آمریکا

### مقدمه

بندر چابهار در منطقه‌ی مکران، تنها بندر اقیانوسی کشور است که دارای مزایایی چون عمق مناسب برای پهلوگیری کشتی‌های تجاری و اقیانوس‌پیما، فاصله‌ی کم‌تر نسبت به بنادری چون بندرعباس به دریای آزاد، خارج بودن از منطقه‌ی حساس تنگه‌ی هرمز و دسترسی مناسب به آب‌راه‌های آزاد می‌باشد. علاوه بر این، چابهار با قرار گرفتن در مسیر دو گذرگاه بین‌المللی، ظرفیت تبدیل شدن به قطب و نقطه‌ی اتصال تجاری بین بخش قابل توجهی از جمعیت جهان (حدود ۴۰ درصد) در کشورهای ایران، پاکستان، افغانستان، هند، چین و روسیه را دارد.

پس از توافق برجام در سال ۱۳۹۴، توسعه‌ی این بندر به کشور هند سپرده شد. از این رو هند با اختصاص ۸۵ میلیون دلار برای ساخت اسکله و تجهیز آن به جرثقیل‌های موردنیاز، کار در این بندر را آغاز کرد و حتی قراردادی بین ایران و هند برای ساخت خط آهن بین چابهار و زاهدان امضا شد.<sup>۱۳</sup> با این حال، کار توسعه‌ی بندر چابهار در همین مراحل ابتدایی متوقف ماند تا این‌که در اردیبهشت ۱۳۹۷، آمریکا به صورت یک‌جانبه از توافق برجام خارج شد و پویش فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران در دستور کار دولت دونالد ترامپ قرار گرفت.

### مجوز آمریکا به هند

در اوج دوره‌ی فشار حداکثری، در خرداد ۱۳۹۹ خبری در رسانه‌های غربی و متعاقباً در رسانه‌های داخلی مبنی بر «اعطای معافیت تحریمی» از سوی آمریکا به هند برای توسعه‌ی بندر چابهار منتشر شد.<sup>۱۳</sup> این در حالی است که آن چه که از سوی آمریکا به هند اعطا شده بود، نه یک «معافیت تحریمی» بلکه یک «استثنای بسیار محدود تحریمی» از سوی وزارت خارجه‌ی آمریکا ذیل بخش ۱۲۴۴ قانون تحریمی ایفا (۲۰۱۲) بود.<sup>۱۴</sup>

۱۲. جزئیات قرارداد ایران با هند برای توسعه‌ی بندر چابهار (موافقت‌نامه‌ی چابهار - خرداد ۱۳۹۵)

<https://tn.ai/1896045>

۱۳. به عنوان نمونه

<https://www.aljazeera.com/economy/20/6/2020/irans-chabahar-port-spared-from-us-sanctions-in-rare-cooperation>

۱۴. در همان زمان سندی منتشر شد که ماهیت این استثنا را توضیح می‌داد. سفارت آمریکا در هند طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه‌ی هند، توضیحات مفصلی درباره‌ی این استثنای تحریمی ارائه داد





## تفاوت استثنای تحریمی با معافیت تحریمی

«استثناء تحریمی»<sup>۱۵</sup> یک اقدام موردی و غیرساختاریافته بوده که تحریم‌کننده در شرایطی خاص، آن را به‌عنوان ابزاری برای مدیریت قانون تحریمی خود به کار می‌برد. استثنای تحریمی جایگاه حقوقی خاصی نداشته و در هر زمان و متناسب با خواسته‌ی تحریم‌کننده، قابل لغو شدن است. اما، «معافیت تحریمی»<sup>۱۶</sup> یک ترتیب قانونی و امکانی تعبیه شده در خود قانون تحریمی است که برخی موارد را از شمول تحریم معاف می‌کند. معافیت تحریمی برخلاف استثنای تحریمی، قابل تغییر به صورت سلیقه‌ای نیست و تغییر در آن به معنی تغییر در متن قانون بوده و کنگره می‌تواند در این باره ورود کند و متعرض دولت و وزارت خزانهداری شود. آن چه که آمریکا در این ماجرا برای هند در نظر گرفته، یک استثنای تحریمی است و نه یک معافیت تحریمی.

## محتوای استثنای تحریمی آمریکا به هند

استثنای فوق به اعطای اجازه‌ی تعدادی فعالیت محدود در رابطه با بازسازی و توسعه‌ی افغانستان به‌عنوان یکی از منافع امنیت ملی کلیدی آمریکا در منطقه مربوط می‌شود. مجوزهای صادرشده به غیرآمریکایی‌ها اجازه می‌داد تا در سه حوزه فعالیت داشته باشند:

۱. توسعه و نگهداری بندر چابهار و ارتباط ریلی مربوطه به افغانستان؛
  ۲. واردات محصولات نفتی افغانستان از ایران از جمله گاز، گازوئیل، گاز ال.پی.جی؛
  ۳. ارسال کالاهای غیرتحریمی از جمله کمک‌های بشردوستانه‌ی حیاتی به افغانستان از طریق بندر چابهار.
- جزئیات مربوط به این اقدام آمریکا در نامه‌ی سفارت آمریکا در دهلی نو خطاب به وزارت امور خارجه‌ی هند آمده است.<sup>۱۷</sup>

## هدف آمریکا از صدور این استثنای تحریمی

نکته‌ی کلیدی در رابطه با این موضوع که سند مربوطه نیز آن را به‌خوبی تأیید می‌کند این است که بنای آمریکا از ارائه‌ی این استثنا به هند، نه توسعه‌ی بندر چابهار ایران، بلکه فراهم آوردن زمینه‌ای برای تسهیل تأمین لجستیکی نیروهای خود در افغانستان بوده است. بدیهی است که چنین رویکردی از سوی آمریکا با هرگونه اقدام توسعه‌ای در بندر چابهار ایران از سوی هند در تضاد بوده و آمریکا اجازه‌ی چنین اقدامی به هند نخواهد داد؛ به‌خصوص که این استثنا مربوط به سال ۱۳۹۹ است و اکنون که نیروهای آمریکایی به‌طور کامل از افغانستان خارج شده‌اند، این موضع برای آمریکا دیگر موضوعیت ندارد.

۱۵. Exception

۱۶. Exemption

۱۷. برای مطالعه‌ی جزئیات این نامه مراجعه شود به گزارش «مرکز تحلیل راهبردی و بین‌المللی» با عنوان «بررسی استثنای تحریمی آمریکا به هند برای توسعه‌ی بندر چابهار» - هفتم بهمن





## قرارداد جدید ایران با هند و خطر معطلی مجدد کشور

ورود هند به پروژه‌های مرتبط با بندر چابهار در سال ۱۳۹۵ انتظارات کشور در راستای توسعه‌ی بندر چابهار و پس‌کرانه‌های آن و تبدیل شدن منطقه‌ی مکران به یک مرکز بزرگ تجارت بین‌الملل کشور را برآورده نکرد. علی‌رغم این تجربه‌ی ناموفق، در اردیبهشت ۱۴۰۳ خبری مبنی بر انعقاد قراردادی ده ساله بین «سازمان بنادر و کشتیرانی ایران» و «شرکت جهانی بنادر هند» (آی.پی.جی.ال) برای توسعه و بهره‌برداری از بندر چابهار توسط هند منتشر شد.

متن این قرارداد در دسترس نیست اما اگر این قرارداد ذیل چارچوب‌ها و قواعد نظام تحریم‌های آمریکا تعریف شده باشد و اجرای کامل و بی‌چون‌وچرای مفاد آن به صدور مجوزهایی از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا منوط شده باشد، بی‌تردید کشور مجدداً دچار معطلی شده و توسعه‌ی این منطقه‌ی بسیار حساس و کلیدی با معطلی مجدد مواجه خواهد شد. شواهد متعدد، از جمله اظهارنظرهای مقامات هندی و آمریکایی پس از انعقاد قرارداد، گمان فوق را تقویت می‌کند.

اقداماتی از این دست اولاً نشانه‌ی این است که شناخت درستی از تحریم و آثار آن در بدنه‌ی دولت و دستگاه‌های متولی وجود ندارد. یکی از آفت‌های این عدم شناخت، گرفتار شدن کشور در پروژه‌هایی است که در ظاهر خوشایند و پرثمر هستند اما در طول زمان با موانع ناشی از سنگ‌اندازی‌های آمریکا، متوقف و بی‌ثمر می‌شوند و تنها آورده‌ی آن، بلا تکلیفی، هدررفت زمان و منابع و وقفه در توسعه‌ی کشور است. ثانیاً، این اقدام به معنای خوش‌بینی و دل بستن به غرب برای تعیین مسیرهای توسعه‌ی کشور است؛ در حالی که هم تجربه و هم منطق، خلاف این تصور را گواهی می‌دهند.

### نویسنده

محمد کاظمی - مشاور مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل







## رویکرد ایران در مذاکرات لغو تحریم

### ماجرای مذاکرات احیای برجام

«برنامه‌ی جامع اقدام مشترک» (برجام) بعد از چند سال مذاکره‌ی طاقت‌فرسا بین ایران و کشورهای ۵+۱ و در عین وجود اختلاف نظر در سطح نخبگانی و ابراز بدبینی رهبر معظم انقلاب به آمریکا به عنوان طرف اصلی این توافق، بالاخره در تابستان ۱۳۹۴ نهایی شد. اما کم‌تر از سه سال بعد، دولت آمریکا با خروج یک‌جانبه از آن در اردیبهشت ۱۳۹۷، سرنوشت این توافق را در هاله‌ای از ابهام فرو برد. هرچند که طی همین دوره نیز به اعتراف مقامات دولت وقت، منافع ایران از برجام به دلیل بدعهدی‌های آمریکا محقق نشد. با این وجود، ایران تصمیم گرفت تا با اتکا به وعده‌ی سه کشور اروپایی عضو برجام مبنی بر جبران تعهدات آمریکا، از برجام خارج نشود. صبر یک‌ساله‌ی برای تحقق این وعده کافی نبود<sup>۱۸</sup> و لذا تهران از اردیبهشت ۱۳۹۸ تصمیم گرفت تا با استناد به بند ۳۶ برجام، هر سه ماه یک‌بار گام‌هایی در جهت کاهش تعهدات خود ذیل برجام بردارد. شش گام کاهش تعهدات ایران هم‌زمان بود با دوره‌ی فشار حداکثری ترامپ.

امید دولت دوازدهم به روی کار آمدن جو بایدن دموکرات باعث شده بود تا هرگونه بدعهدی و بدرفتاری طرف‌های مقابل به نوعی در داخل توجیه، و پیشنهاد هرگونه اقدام متقابل با استدلال‌هایی چون خدشه در مسیر احیای برجام نادیده گرفته شود. اما، بایدن پس از انتخاب به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، بر خلاف انتظارات دولت و بر خلاف اظهارات خود، بازگشت فوری به برجام را در دستور کار قرار نداد و هرگونه بازگشت به تعهدات برجامی را منوط به شروع مذاکره با ایران کرد. این باعث شد تا مذاکرات احیای برجام در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم به ریاست «عباس عراقچی» آغاز شود. این در حالی بود که احیای برجام مستلزم مذاکرات خاصی نبود و اگر آمریکا تصمیم سیاسی مربوطه را اتخاذ می‌کرد، احیای برجام کاری سهل‌الوصول بود.

پس از شش دور مذاکره‌ی ایران با کشورهای ۴+۱ (و به صورت غیرمستقیم با آمریکا) کار دولت به پایان رسید و دولت سیزدهم در ایران سر کار آمد. از هشتم آذرماه ۱۴۰۰ مذاکرات هیأت مذاکره‌کننده‌ی ایرانی به ریاست «علی باقری کنی» از سر گرفته شد. این مذاکرات در چندین دور، تا شهریور ۱۴۰۱ ادامه پیدا کرد. با این‌که متن مربوط به توافق بازگشت آمریکا به برجام تقریباً نهایی شده بود، اما در نهایت، این مذاکرات به سرانجام نرسید و در همان زمان متوقف شد.

۱۸. مراجعه به گزارش «مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل» با عنوان «بدعهدی‌های اروپا و آمریکا در اجرای برجام» - ۱۹ دی ۱۴۰۱





## خروج احیای برجام از دستور کار طرفین

هم‌زمان با رفت و برگشت‌های دیپلماتیک برای احیای برجام، اتفاقات مهمی در حال رخ دادن بود که به تدریج، احیای برجام را سخت‌تر و مزایای این توافق را برای طرفین کم‌رنگ‌تر می‌کرد. از یک طرف، پیشرفت در برنامه‌ی هسته‌ای ایران و هم‌چنین توسعه و گسترش روزافزون تحریم‌های آمریکا علیه ایران (به‌عنوان دو نقطه‌ی تعهد اصلی متقابل ایران و آمریکا در برجام) به سطوح غیرقابل‌بازگشت نزدیک می‌شد. از طرف دیگر، از بهمن ۱۴۰۰ جنگ روسیه و اوکراین آغاز شد. این جنگ باعث شد تا تمرکز آمریکا و به‌خصوص اروپا از مذاکرات به‌طور کامل به سمت دیگری گردش پیدا کند. انتشار اخبار فروش پهپادهای ایرانی به روسیه و در پی آن، تبلیغات رسانه‌ای و اظهارنظرهای تند مقامات اروپایی علیه ایران، امکان ادامه‌ی مذاکره‌ی اروپا با ایران برای احیای برجام را به‌طور کامل از بین برد.

در ادامه، اتفاقات و آشوب‌های پاییز ۱۴۰۱ در ایران آغاز شد. مدیریت این آشوب‌ها توسط ایران به‌طور طبیعی مورد انتقاد اروپا و آمریکای مدعی حقوق بشر قرار گرفت و فضای تعامل با ایران و مذاکره برای احیای برجام را بیش از پیش تنگ کرد. و کمی بعد، خبر برکناری «رابرت مالی» رئیس هیأت مذاکره‌کننده‌ی آمریکا تیر خلاص به مذاکرات احیای برجام بود. در میان همه‌ی خبرها و رویدادهای ضد مذاکرات، تنها خبر متفاوت، رسیدن ایران و آمریکا به یک «تفاهم» کاهش تنش بود که متضمن رد و بدل کردن برخی امتیازهای موردی از سوی طرفین بود.

ماجرای فوق احیای برجام و مذاکرات مربوطه را برای طرفین از موضوعیت انداخت. روند تحولات پس از آن، از جمله جنگ ادامه‌دار غزه و شهادت ناگهانی رئیس‌جمهور ایران و ورود کشور به فضای انتخاباتی هم حاکی از این واقعیت است که اساساً احتمال و ارزش بازگشت مذاکره برای احیای برجام به دستور کار طرفین، به صفر نزدیک شده است. با این حال، خود برجام به‌نوعی برای ایران و آمریکا هم‌چنان محل انتفاع است. مهار برنامه‌ی هسته‌ای ایران و بازگرداندن آن به سطح مطلوب، هم‌چنان یکی از دغدغه‌های واشینگتن در رابطه با ایران است؛ چیزی که از طریق برجام برای آمریکا ممکن می‌شد. از سوی دیگر، غروب سال دهم برجام و لغو کامل قطع‌نامه‌ی ۲۲۳۱ و به تبع آن، لغو قطع‌نامه‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران، برای ایران تا حدی یک دستاورد مطلوب به حساب می‌آید. بر این اساس، دشواری کار دولت چهاردهم در موضوع برجام از این جهت است که از سویی باید شاکله و کلیت این توافق را تا فرا رسیدن غروب سال دهم (مهر ۱۴۰۴) حفظ کند و از سویی باید در این مسیر حساس دیپلماتیک، از افتادن در دام فریب‌های مذاکراتی طرف‌های مقابل و عوارض داخلی آن اجتناب کند. در این راه البته مانعی به نام سازوکار ماشه وجود دارد.



## مانعی به نام سازوکار ماشه

به دلیل خروج از برجام، آمریکا از لحاظ قانونی صلاحیت راه‌اندازی سازوکار ماشه را ندارد. اما این احتمال وجود دارد که تا پیش از فرا رسیدن بند غروب سال دهم برجام، کشورهای اروپایی با استفاده از این امکان، مانع ملغی شدن قطع نامه‌ی ۲۲۳۱ شورای امنیت شوند. در این راستا، دولت چهاردهم باید با استفاده‌ی هنرمندانه از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک، در ۱۵ ماه آینده به‌طور هم‌زمان، از طرفی مانع از تحریک اروپا برای مبادرت به راه‌اندازی سازوکار ماشه شود و از طرف دیگر، اقداماتی از خود بروز ندهد که هم نشانه‌ی ضعف و کوتاه آمدن از برنامه‌های اساسی کشور تلقی شود و هم مجدداً اهمیت مذاکرات و تعامل با غرب را در افکار عمومی بالا ببرد. در بازه‌ی زمانی پیش رو، نوع رفتار کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اهمیت زیادی پیدا می‌کند.

## توصیه‌های سیاستی

### ۱) کنار گذاشتن مذاکرات احیای برجام

همان‌طور که توضیح داده شد، امروز فضا برای احیای برجام به دلایل گوناگون از بین رفته است. در این شرایط، توصیه می‌شود که دولت چهاردهم با ادامه‌ی رویکرد سال‌های اخیر توسط دولت سیزدهم در تعامل با غرب، اساساً تلاش برای احیای برجام را از ذهن خود پاک کند و روی طرح‌هایی متمرکز شود که متضمن دستیابی ایران به مزایای ناشی از فرا رسیدن غروب سال دهم برجام شود.

### ۲) محدودسازی توافق با غرب به داده‌ها و ستانده‌های محدود

دولت چهاردهم قاعداً نباید به‌صورت پیش‌دستانه ابتکاری برای توافق با غرب ارائه دهد. با این حال، غربی‌ها و به خصوص آمریکا در دوره‌ی جدید ریاست جمهوری خودشان از ابتدای سال ۲۰۲۵ میلادی و حتی شاید پیش از پایان دور اول بایدن، برخی طرح‌ها و پیشنهادات مذاکراتی را مطرح خواهند کرد. در برخورد با این پیشنهادها، دولت چهاردهم باید سطح هرگونه توافق با غرب را در حد بده‌بستان‌های محدود (چه در موضوع و چه در عمق) حفظ کند و از هرگونه ورود به مذاکرات طولانی با آینده و حدود و ثغور نامعلوم اجتناب کند. برخی تجارب قبلی نظیر تبادل زندانی‌ها در ازای جابه‌جایی پول‌های بلوکه‌شده، یا تفاهم محدود با آمریکا نمونه‌هایی از این رویکرد هستند.

### ۳) اجتناب از مشروط‌سازی کشور به مذاکرات

هم‌زمان، دولت باید نهایت مراقبت را به خرج دهد تا فضای اجتماعی و افکار عمومی کشور نسبت به مذاکرات و نتایج احتمالی حاصل از آن حساس نشده و مثل گذشته، اقتصاد کشور معطل مذاکرات و توافق نشود. در این راستا توصیه می‌شود که مسئولیت مذاکرات با غرب از سطح معاونت در وزارت خارجه به یک سطح پایین‌تر تنزل پیدا کند و مسئولین مربوطه در اظهارنظرهای خود، به مذاکرات ضریب بیش از اندازه ندهند.



#### ۱۴) حفظ تعامل با آژانس در حد توافق اسفند ۱۴۰۱

جمهوری اسلامی ایران باید رویکرد تعاملی و در عین حال عزت‌مندانه‌ی خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مبتنی بر توافق‌نامه‌ی جامع پادمان و توافق ۱۳ اسفند ۱۴۰۱ بین سازمان انرژی اتمی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه دهد. با توجه به این‌که برنامه‌ی هسته‌ای کشور بهانه‌ای قدیمی در اختیار غرب برای شروع هرگونه فشار قرار می‌دهد، داشتن راهبردی سنجیده و آینده‌نگر برای تعامل با آژانس و جلوگیری از صدور قطع‌نامه علیه کشور در شورای حکام آژانس ضروری به نظر می‌رسد.

#### نویسنده

محمد کاظمی - مشاور مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل





## لزوم مراقبت از ایجاد اختلال در روابط خارجی راهبردی کشور

### دنیای جدید، اتحادهای جدید

جهان امروز شاهد دوره‌ای از تحولات عمیق و دگرگونی‌های پرشتاب و بی‌سابقه در پویایی‌های قدرت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. اتفاقاتی چون همه‌گیری بیماری کرونا، جنگ روسیه و اوکراین، بالا گرفتن مناقشات چین و آمریکا و در آخرین مورد، حادثه‌ی طوفان‌الاقصی در تسریع این تحولات و حرکت به سوی دنیایی جدید مؤثر بوده‌اند. در شرایط جدید، از سویی اتحادها، هم‌پیمانی‌ها و نهادهای بین‌المللی سنتی در معرض آزمایش‌های جدی و حتی بازتعریف قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر، پیوندها و شراکت‌های جدید در حال شکل‌گیری و تولد هستند.

یکی از اتفاقات نوپدید، تقویت رابطه بین سه کشور ایران، روسیه و چین، چه به صورت دو به دو و چه به صورت سه جانبه و حرکت این سه کشور به سمت شکل‌دهی به برخی سازوکارها و همکاری‌های بلندمدت و متباین با نظامات موجود و رایج بین‌المللی است. علی‌رغم وجود برنامه‌های ملی مستقل و حتی احیاناً برخی تفاوت دیدگاه‌ها، اشتراک نظر این سه کشور در مخالفت با نظم آمریکایی حاکم بر جهان و تلاش برای شکل‌دهی به نظمی جدید را می‌توان بن‌مایه‌ی همکاری تهران، مسکو و پکن دانست.

### رویکرد آمریکا

بدون شک، شکل‌گیری هرگونه ائتلاف جدید در جهان که تحت رهبری یا حداقل تحت مدیریت مستقیم یا غیرمستقیم آمریکا نباشد، برای واشینگتن به‌عنوان رهبر سنتی جهان در دهه‌های گذشته نامطلوب خواهد بود. هم‌پیمانی نوظهور ایران-روسیه-چین نیز از این قاعده مستثنا نیست و آمریکا قاعداً در صدد ایجاد اختلال در شکل‌گیری آن بر خواهد آمد. بنابراین، دور از ذهن نیست که آمریکا از طریق به‌کارگیری ابزارهای مختلف، به دنبال تضعیف این ائتلاف باشد. به‌طور خاص در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، واشینگتن باید طرحی روزآمد و متناسب با شرایط جدید در دستور کار خود قرار دهد. پیش‌بینی می‌شود که محور این طرح، تلاش برای ایجاد اختلال محاسباتی در تصمیم‌گیران کشور و در نتیجه، باز داشتن ایران از اتخاذ تصمیم‌های درست و به‌موقع برای تحکیم پیوندهای راهبردی و بلندمدت با روسیه و چین باشد. از طرفی، پیشرفت ولو کند و تدریجی همکاری‌ها بین ایران با روسیه و چین در سال‌های اخیر به آمریکا اثبات کرده است که حرکت روی این ریل آغاز شده و ابزارهایی از جنس فشار و ایجاد محدودیت به‌تنهایی نتوانسته و نمی‌توانند در توقف یا عقب‌راندن این روند مؤثر واقع شوند. به همین دلیل، احتمالاً آمریکا در ماه‌های آینده و به‌خصوص بعد از برگزاری انتخابات در آبان ۱۴۰۳، رویکرد دیرینه‌ی «دیپلماسی با پشتوانه‌ی فشار» را با تأکید بیش‌تر بر بخش دیپلماسی آن، در دستور کار خود قرار خواهد داد. در این راستا، ارائه‌ی پیشنهادات و مشوق‌های به‌ظاهر جذاب اما فریبنده به ایران از سوی آمریکا و تلاش برای باز کردن باب مذاکره و ترسیم دورنمایی از یک توافق در آینده‌ی نزدیک، امری کاملاً محتمل به نظر می‌رسد.



## رویکرد ایران

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران باید با حفظ تمرکز و هوشیاری و داشتن درک صحیح و جامع از وضعیت جدید، خود را برای مقابله‌ی سنجیده و مدبرانه با برنامه‌های آمریکا آماده کند. در این راستا و مبتنی بر تجارب پیشین، پیشنهاد می‌شود که ایران موارد زیر را در طرح مقابله‌ای خود مد نظر قرار دهد:

### ۱) اجتناب از تحریک انتظارات اجتماعی

تجربه‌ی کشور در دهه‌ی نود تأیید می‌کند که بالا بردن انتظارات افکار عمومی و اجتماعی‌سازی افراطی پدیده‌ی مذاکره و توافق با آمریکا تا چه حد می‌تواند موجب تحمیل زیان‌های غیرقابل‌جبران به کشور شود. بلا تکلیفی و چشم‌انتظاری و در نتیجه، رکود و توقف فعالیت‌های اقتصادی چه در سطح بخش خصوصی و چه در سطح بخش دولتی تنها یکی از عوارض منوط‌سازی بهبود وضع کشور به نتیجه‌ی مذاکرات است. رویکردی که با روی کار آمدن دولت سیزدهم تا حد خوبی تعدیل شد. این تجربه باید در برنامه‌های دولت آینده‌ی ایران مد نظر قرار گیرد.

### ۲) اجتناب از شتاب‌زدگی و ارزیابی دقیق و کارشناسی پیشنهادها

یکی از ترفندهای طرف مقابل برای به دام انداختن کشور در بده‌بستان‌های نامتوازن، غبارآلود کردن زمین بازی و ایجاد فضایی مرکب از بیم و امید و سوق دادن کشور به سمت شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری است. آمریکا در گذشته نیز نشان داده است که می‌تواند در بحبوحه‌ی مذاکرات، ابزارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ای خود در داخل و خارج از کشور را بسیج کند و تصمیم‌گیران کشور را با دچار خطای شناختی و در نتیجه اختلال محاسباتی کند. بر این اساس، ارزیابی عمیق، کارشناسی و بدون عجله‌ی پیشنهادات واصله از سوی آمریکا بر پایه‌ی خرد جمعی و در فضایی آرام و به دور از هیاهوی رسانه‌ای، یکی از ضروریات مواجهه با برنامه‌ی آتی آمریکا در قبال ایران است. به خصوص، توجه به این نکته ضروری است که در کشاکش کنونی بین تهران و واشینگتن، این امریکاست که در اضطرار رسیدن به یک توافق مهارکننده با ایران است و گذر زمان ضرر خاصی را متوجه ایران نمی‌کند.

### ۳) مراقبت از ایجاد اختلال در برنامه‌های راهبردی سیاست خارجی کشور

نکته‌ی حیاتی و پایانی این‌که قبول هرگونه پیشنهاد از سوی غرب که به نوعی در برنامه‌های جاری کشور در حوزه‌ی سیاست خارجی، چه در ارتباط با همسایگان و چه در تعریف و تعمیق همکاری‌های راهبردی با قدرت‌های نوظهور (از جمله همکاری با روسیه و چین) اختلال ایجاد کند، باید خط قرمز جمهوری اسلامی باشد. عدول از این خط قرمز می‌تواند خسارت‌های راهبردی و بلندمدتی را به کشور تحمیل کند.

#### نویسنده

محمد کاظمی - مشاور مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل





## با FATF چه باید کرد؟

### مقدمه

در خرداد ماه ۱۳۹۵، آقای علی طیب‌نیا، وزیر وقت اموراتصادی و دارایی در یک تعهد رده بالای سیاسی، برنامه‌ی اقدام ابلاغ شده توسط FATF را پذیرفت، و در مقابل این نهاد متعهد شد که ایران را از لیست سیاه خود تعلیق کند. این تعلیق تا اسفند ماه ۱۳۹۸ ادامه داشت و در آن تاریخ، جمهوری اسلامی ایران دوباره در لیست سیاه قرار گرفت؛ البته لازم به ذکر است که تعلیق مذکور با ابهاماتی همراه بود. یکی از ابهامات فعال بودن فرآیند شناسایی تشدید شده‌ی مشتری (EDD) علیه ایران بود.

در طی تعلیق ایران در لیست سیاه، لویحی که به لویح چهارگانه<sup>۱۹</sup> معروف بودند، به مجلس ارسال و در نهایت دولایحه‌ی اصلاح قانون مبارزه با پولشویی و اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم تبدیل به قانون شدند. در مورد دولایحه‌ی دیگر نیز، بعد از اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب دو معاهده‌ی پالرمو و CFT، پرونده به منظور تعیین و تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد. مجمع تشخیص مصلحت نظام تا دی ماه ۱۳۹۹ به جمع‌بندی در مورد موضوعات مذکور نرسید و طبق ماده ۳۱ آیین‌نامه داخلی، چنانچه مجمع تا زمان مشخصی نظر خود را در مورد پرونده‌ای ابلاغ نکند، نظر شورای نگهبان حاکم می‌شود؛ بنابراین بر طبق انتظار، باید پرونده‌ی پالرمو و CFT بسته می‌شد، اما در همان زمان آقای روحانی، رئیس‌جمهور وقت به رهبرمعظم انقلاب نامه‌ای نوشتند و در آن نامه یکی از درخواست‌ها بررسی بیشتر معاهدات بود. این درخواست توسط مورد موافقت رهبر انقلاب قرار گرفت. بنابراین پرونده‌ی FATF تا زمان تعیین و تکلیف توسط مجمع باز خواهد بود.

### شروع تعامل دوباره

همانطور که پیش‌تر بیان شد، جمهوری اسلامی از اسفند ۱۳۹۸ دوباره وارد لیست سیاه شد و از آن زمان می‌توان گفت که دیگر تعاملی بین ایران و FATF مشاهده نشد. در طول زمان مذکور، FATF بیانیه‌ای که در اسفند ۹۸ در مورد ایران مطرح کرده بود را در نشست‌های آتی خود تکرار می‌کرد. این عدم ارتباط تا مهر ۱۴۰۲ ادامه داشت.

۱۹. لایحه‌ی اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، لایحه‌ی اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، لایحه‌ی پیوستن به معاهده‌ی مبارزه با جرائم سازمان‌یافته‌ی فراملی (پالرمو)، لایحه‌ی (CFT) پیوستن به معاهده‌ی مبارزه با تامین مالی تروریسم





بعد از نشست مهرماه FATF، این نهاد در بیانیه‌ی خود در مورد ایران جمله‌ای جدید را بیان کرد<sup>۲۰</sup> و آن، اعلام ارسال گزارش از برنامه‌ی اقدام توسط جمهوری اسلامی ایران برای FATF بود. این جمله در نشست اسفند ۱۴۰۲ نیز تکرار<sup>۲۱</sup> و مشخص شد که ایران در تابستان و زمستان سال ۱۴۰۲، برای FATF گزارش ارسال کرده است. اما این گزارشات هیچ تغییری در وضعیت ایران ایجاد نکرد.

تصوری در کشور وجود دارد که ارسال گزارشات فنی درباره‌ی اقدامات صورت گرفته در مورد برنامه‌ی اقدام به FATF، می‌تواند در پیشرفت همکاری‌ها موثر باشد، اما این یک تصور کاملاً اشتباهی است. این نکته را می‌توان بیان کرد که مسئولین و کارشناسان این حوزه بر روی سیاسی بودن نهاد FATF توافق داشته و بدیهی است که یک رویکرد فنی مانند ارسال گزارش، نمی‌تواند مشکلات سیاسی را حل کند. علاوه بر این، حتی اگر فنی عمل کردن در مقابل یک رویکرد سیاسی، باعث حل مشکلات شود، ارسال گزارش در مورد پیشرفت برنامه‌ی اقدام، بدوت صحبت در مورد دو معاهده‌ی پالرمو و CFT همچنان تاثیری در باز شدن گره‌های بین ایران و FATF ندارد. چراکه این نهاد در بیانیه‌های خود به صراحت اعلام کرده است تا زمانی که ایران دوم معاهده‌ی مذکور را تصویب نکند، همکاری‌های بعدی صورت نخواهد گرفت.

لازم به ذکر است که ادامه‌ی مسیری در پیش گرفته شده (ارسال گزارشات فنی)، بدون داشتن برنامه‌ی مشخص، واقعی و متناسب در مورد تعامل با FATF، زمین‌بازی این نهاد بوده و در نهایت تصویب پالرمو و CFT را به دنبال خواهد داشت. تصویب این معاهدات مخصوصاً پالرمو، خطرات امنیت ملی در پی دارد و معیشت مردم را به صورت مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد.

## خطرات تعامل با FATF

جمهوری اسلامی ایران به دلیل تحریم‌ها، تمام تجارت خود را از فضای رسمی به فضای غیررسمی منتقل کرده است. در این فضا به دلیل مقتضیات دور زدن تحریم‌ها، پنهان‌کاری و مخفی نگه‌داشتن اطلاعات مالی بسیار حائز اهمیت بوده و هرگونه اقدامی که بتواند اطلاعات مذکور را افشا کند، سبب بسته شدن راه‌های دور زدن تحریم می‌شود. معاهده‌ی پالرمو این اتفاق را رقم خواهد زد. به‌طور خلاصه، همکاری با FATF و اجرای استانداردهای این نهاد بین‌الدولی (تصویب معاهده‌ی پالرمو یکی از توصیه‌های FATF و بندی در برنامه‌ی اقدام ایران است) سبب افزایش اثرگذاری تحریم بر روی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

۲۰. بیانیه‌ی FATF بعد از نشست مهر ۱۴۰۲ در مورد ایران

<https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Call-for-action-october-۲۰۲۳.html>

۲۱. بیانیه‌ی FATF بعد از نشست اسفند ۱۴۰۲ در مورد ایران

<https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Call-for-action-february-۲۰۲۴.html>







منتقدان تعامل با FATF با توجه به دلایل فوق، مخالف همکاری با این نهاد هستند و صحبت‌های خود را در قالب‌های فنی و کارشناسی ارائه کرده‌اند، اما در جریانی در داخل کشور، همچنان به این مسئله نگاهی سیاسی داشته و بدون درنظر گرفتن نکات فنی و خطرات همکاری با FATF، مصرانه به دنبال تعامل با این نهاد بین‌الدولی هستند.

### چه باید کرد؟

با توجه به اتفاقات سالیان گذشته برای جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی تحریم، به خصوص وقایع برجام و افزایش تحریم‌ها، و همچنین سخنان مقام معظم رهبری مبنی بر اداره کردن اقتصاد با فرض ماندگاری تحریم‌ها، باید بیان کرد که تعامل با FATF با توجه به اثری که بر افزایش فشار تحریم‌ها دارد، شدنی نیست و نمی‌توان با این نهاد به یک راه‌حلی که به منافع ایران صدمه‌ای وارد نکند، رسید؛ بنابراین باید تعامل با FATF قطع شده و ظرفیت‌های درگیر شده در داخل کشور با این نهاد، آزاد شوند تا بتوانند اولویت‌های مهم دیگری را دنبال کنند. به عنوان مثال، مرکز اطلاعات مالی، سازمانی مهم در حوزه‌ی مبارزه با فسادهای مالی مانند پولشویی و تامین مالی تروریسم است. مشغول نگه داشتن بخشی از ظرفیت‌های این مرکز در تعامل با FATF، می‌تواند سبب هدررفت سرمایه و انرژی شده و از بهره‌وری این سازمان در انجام امور مهمی چون مبارزه با فساد در داخل کشور بکاهد. با توجه به نکات بیان شده، باید تعامل با FATF قطع و ظرفیت‌های اشغال شده‌ی مرکز اطلاعات مالی آزاد شده تا بتواند کارهای مهم خود همچون توسعه‌ی اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای در حوزه مبارزه با پولشویی، توسعه‌ی زیرساخت‌های نظارتی با هدف شناسایی و برخورد با تخلفات و جرائم، ترویج اقدامات ایران در حوزه مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم و... را پیگیری کند.

#### نویسنده

امیرمحمد نوری بیات - مدیر مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل





## فرصت تبدیل شدن ایران به هاب غلات و کود با تغییر معادلات جهانی در عرصه امنیت غذایی

شروع جنگ روسیه و اوکراین یک نقطه عطف در تغییر معادلات سیاسی جهانی بود که به تغییر در نظم قدیم جهانی و شکل‌گیری نظم جدید تعبیر می‌شود. یکی از ابعاد این تغییر، تلاطم و ناآرامی در امنیت غذایی جهانی است. روسیه و اوکراین به دلیل سهم بالا از صادرات جهانی غلات و نهاده‌های کشاورزی اثرگذاری بالایی بر امنیت غذایی جهان دارند. علاوه بر این، قرارگیری این دو کشور در منطقه دریای سیاه که کریدور اصلی برای صادرات غذا محسوب می‌شود، اهمیت این جنگ را بیش از پیش افزایش داد. چنین وضعیتی اهمیت مسیرهای موازی با این کریدورهای پرتنش را بیش از پیش افزایش داد و ایران به عنوان نقطه واسط مراکز «تولید» و «مصرف» غلات و کود در فرصت آن را دارد که به عنوان هاب منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای این دو محصول نقش آفرینی کند و به بازیگر تعیین کننده در حوزه امنیت غذایی تبدیل شود.

### اهمیت روسیه و اوکراین در امنیت غذایی جهانی

روسیه و اوکراین در مجموع ۱۲ درصد از کلزا، ۱۶ درصد از ذرت، ۲۳ درصد از جو، ۲۷ درصد از گندم و ۷۷ درصد از روغن آفتاب‌گردان صادراتی جهان را صادر می‌کنند که سهم روسیه در صادرات جهانی گندم و جو بیش از اوکراین است. علاوه بر این روسیه در حوزه کود شیمیایی که نهاده تولیدی کشاورزی بوده و مسئول تولید نیمی از غذای جهان است، بازیگر مهم جهانی محسوب می‌شود. این کشور به طور میانگین در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ سهم ۱۰ درصدی از تولید جهانی کود کشاورزی و را به خود اختصاص داد که پس از چین بزرگترین تولیدکننده محسوب می‌شود ولی روسیه در زمینه صادرات با سهم ۱۶ درصدی از صادرات جهانی، رتبه اول صادرات این محصول استراتژیک را به خود اختصاص داده است.

از طرف دیگر دریای سیاه که کریدوری برای صادرات غلات و بخشی از کود این دو کشور محسوب می‌شود، نقشی کلیدی برای تجارت دریایی هر دو کشور بازی می‌کند. تنش‌های جاری در دریای سیاه و روند ناتویژه شدن کشورهای اطراف دریای سیاه و در پی آن دریای مدیترانه شرایط نامطلوبی را برای تجارت دریایی روسیه رقم زده است. در صورت انسداد مسیر لجستیکی دریای سیاه برای روسیه، کریدور شکل - جنوب بهترین گزینه برای ایجاد یک مسیر تجاری امن و اقتصادی خواهد بود.

### مزیت‌های ایران در توسعه کریدور شمال-جنوب

پوتین رئیس جمهور روسیه در صحبت‌های خود بارها در خصوص توسعه کریدور شمال-جنوب و استفاده کشورهای جهان از این مسیر برای انتقال غذا، کالاهای مصرفی، کالاهای صنعتی و حتی نهاده‌های کشاورزی به جنوب جهانی به خصوص آفریقا و هند صحبت کرده است. با این وجود؛ ایران، بازیگر اصلی در این مسیر، از موقعیت خود به خوبی استفاده نکرده است.





ایران به دلیل قرارگیری در مسیر کریدوری شمال-جنوب امکان تبدیل شدن به هاب غلات و حتی کود را دارد. بنا بر اظهارات معاون سازمان بنادر و دریانوردی کشور زیرساخت برای واردات سالانه بیش از ۱۰ میلیون تن از مرزهای شمالی تا جنوبی را دارد. همچنین در این میان بخشی از کالاها به مقصد جنوب نمی‌رسند و پس از ورود به ایران در میان همسایگان شرقی و غربی توزیع خواهند شد. در این صورت ظرفیت ترانزیتی به حدود ۲۰ میلیون تن افزایش خواهد یافت. بدین ترتیب تا میزان ۲۰ میلیون تن غلات یا کود را می‌توان از روسیه به داخل ایران حمل کرده و به صورت فرآوری شده یا غیرفرآوری شده آن را به کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای صادر نمود. درآمد ترانزیتی محاسبه شده در بخش ترانزیت هاب تا ۱ میلیارد دلار و درآمد فرآوری ۱۰ میلیون تن گندم به آرد ۸۰۰ میلیون دلار خواهد بود. علاوه بر این تبدیل شدن ایران به هاب منطقه‌ای غلات و کود، مطابق با بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی موجب گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف، خدمات تجارت خارجی و ترانزیت می‌شود.

### هاب غلات و کود

میزان تقاضای غلات به خصوص گندم در منطقه بیش از ۲۲ میلیون تن است که ایران از طریق کریدور شمال-جنوب توانایی تأمین بخشی از این نیاز را با قیمتی منطقی دارد. علاوه بر این در بخش فرآوری گندم به آرد ظرفیت خالی ۱۲ تا ۱۵ میلیون تنی وجود دارد که بخشی از آن می‌تواند فعال شود و علاوه بر ایجاد ارزش افزوده و درآمد ارزی موجب افزایش اشتغال در کشور شود. در بخش کود نیز ایران توان تأمین کود از مبدأ روسیه در دو لایه منطقه‌ای و جهانی را دارد. در لایه منطقه‌ای که شامل کشورهای همسایه و هند می‌شود، تقاضای سالانه ۲۵٫۷ میلیون تن کود وجود دارد و در بخش جهانی نیز کشورهایی که ایران امکان تأمین کود آن‌ها را دارد تا ۹۶ میلیون تن تقاضای کود دارند. کشورهایی که مقصد لایه جهانی کود محسوب می‌شوند از برزیل و آرژانتین در آمریکای لاتین تا اندونزی و مالزی در شرق آسیا را شامل می‌شود که در حال حاضر ایران به برخی از آن‌ها صادرات کود دارد.

### تجارت دو سره؛ تقاضا و عرضه در هر دو طرف کریدور

در صورت فعال شدن لایه جهانی کشورهای مقصد، از همپوشانی صادرات کشورهای مقصد با واردات روسیه و کشورهای CIS به بازاری ۱۴۳ میلیارد دلاری از کالاهای مورد نیاز CIS خواهیم رسید که مبدأ آن در مسیر عکس محور صادرات غلات و کود است. کالاهایی که در کشورهای جنوب و شرق آسیا در انتهای جنوبی کریدور تولید می‌شود و در شمال کریدور یعنی روسیه و کشورهای CIS تقاضا دارد شامل ماشین‌های الکترونیکی، لاستیک طبیعی (کائوچو)، پالم، میوه‌های گرمسیری، ادویه و غیره می‌شوند. این کشورها عمدتاً وارد کننده کود و غلاتی هستند که امکان صادرات آن از روسیه و بلاروس وجود دارد، با این حال این دو کشور به دلیل عدم تناسب مسیرهای تجاری خود با این بخش از جهان سهم زیادی از تأمین این منابع را تاکنون نداشته‌اند. با این وجود شکل‌گیری کریدور شمال - جنوب و مزیت‌های اقتصادی و راهبردی آن، جریان‌های تجاری این محصولات را تغییر خواهد داد.

#### نویسنده

فرشاد عواطفی - مسئول محور هاب کود و غلات





## لزوم اتخاذ الگوی صحیح در روابط راهبردی ایران و چین

### مقدمه

تحولات گسترده و پیچیده در سطح جهانی امروز تأثیرات خود را در منطقه غرب آسیا نشان می‌دهد. کاهش حضور ایالات متحده در منطقه و تمرکز آن بر منطقه ایندوپاسفیک، و متعاقباً رشد چشم‌گیر حضور جمهوری خلق چین در منطقه، و مهم‌تر از همه تغییر نگرش کشورهای منطقه و کنش‌گری متفاوت آنان، سبب گشته تا شرایطی ایجاد شود که ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران بیش‌از هر زمانی امکان ظهور و بروز داشته باشد. ایران اکنون در حالی بازیگر اصلی و امنیت‌ساز منطقه قلمداد می‌شود که نشان داده نبض تحولات منطقه را در دست دارد. تحولات یمن، سوریه، عراق، فلسطین اشغالی، افغانستان، و حتی روابط فرامنطقه‌ای مانند کریدور IMEC و به نتیجه نرسیدن آن گواه این مدعا هستند. بی‌شک تثبیت و تقویت این روند نیازمند افزایش توانمندی‌های غیرسخت و غیرنظامی ایران و متحدانش در محور مقاومت است.

### شرایط خاص منطقه و رشد حضور چین در آن

جمهوری خلق چین به‌عنوان قدرتی نوظهور که اکنون تقابل جدی‌ای را با آمریکا پشت‌سر می‌گذارد، بنا به دلایل استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، حضور در منطقه غرب آسیا را بسیار حائز اهمیت می‌داند. این حضور به‌طور ویژه پس از آغاز به‌کار ابتکار کمربند و جاده رشد روزافزونی داشته است. اکنون نیمی از نفت مورد نیاز چین از منطقه تأمین می‌گردد، حجم سرمایه‌گذاری چینی‌ها در غرب آسیا از ۳۰۰ میلیارد دلار عبور کرده، در حالی که تقریباً نیمی از آن در حوزه انرژی سرمایه‌گذاری شده است.

اکنون منطقه بزرگ‌ترین مقصد هوآوری گول تکنولوژی چینی‌ها به‌شمار می‌رود و مؤسسه کنفوسیوس بازوی فرهنگی حزب کمونیست چین در ۱۲ کشور منطقه ۲۲ شعبه احداث کرده است.<sup>۳۳</sup> دو کشور عربستان سعودی و امارات متحده عربی در گسترش روابط با چین گوی سبقت را از سایرین ربوده‌اند و علاوه بر حجم تجارت بیش‌از یکصد میلیارد دلاری با چین، توانسته‌اند تنوع خوبی به روابط تجاری با چین بدهند و از اتکا به نفت رهایی پیدا کنند. همچنین حضور نظامی چین در کشورهای منطقه رشد بالایی داشته است و حتی کشورهای نزدیک به آمریکا امروز میزبان نیروهای نظامی چینی هستند.

۳۳. گزارش کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، عملکرد چین در خاورمیانه، ۳ آبان ۱۴۰۱ (۲۵ اکتبر ۲۰۲۲)





در سال ۲۰۱۹ سند راهبردی دفاع ملی چین منتشر شد و در آن حفاظت از منافع برون مرزی و توسعه لجستیکی خارجی به عنوان اهداف راهبردی تعیین شدند.<sup>۳۳</sup> در واقع این نقشه راه برای ایجاد روزنه نفوذ و حضور نظامی ارتش چین در منطقه، در بستر افزایش همکاری‌های تجاری و اقتصادی و همراه با افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌ها ترسیم شده است. ابتکاری که تاکنون در مناطقی چون دقم عمان، فجیره امارات، و گوادر پاکستان به صورت جدی پیگیری شده است.<sup>۳۴</sup>

### تغییر رفتار چین در قبال منطقه و منافع مشترک با ایران و مقاومت

از گذشته فعالیت‌های چین در عرصه روابط خارجی را فاقد جهت‌گیری خاص و صرفاً در راستای تأمین منافع اقتصادی تعریف می‌کردند. در واقع تصویری که از چین پس از اصلاحات دنگ شیائوپنگ ارائه شده بدون آرمان‌خواهی، همراه با روابط حداکثری با تمام طرفین، و بدون جهت‌گیری خاص بوده است و این کشور از ورود به گسل‌های میان کشورها اجتناب می‌کرد.

در سطح منطقه نیز چین متحد مهم جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، و حتی شریک بزرگ رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد. اما در تحولات اخیر و به طور خاص پس از هفت اکتبر ۲۰۲۳ چین رویکردی متفاوت اتخاذ کرده است. به طور نمونه پس از وقایع ۷ اکتبر چین از محکوم کردن عملیات طوفان الاقصی خودداری کرده و حملات اسرائیل به غزه را مجازات دسته جمعی غیرنظامیان فلسطینی خواند. همچنین با جلوگیری از ارسال کشتی‌های غول کشتی‌رانی خود یعنی COSCO به اراضی اشغالی، و عدم تلاش و مداخله برای جلوگیری از حملات انصارالله یمن، رویکردی متفاوت از آنچه پیش‌بینی می‌شد را اتخاذ کرد.<sup>۳۵</sup> حتی بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه به پکن دعوت و بین چین و سوریه شراکت راهبردی اعلام شد. این تغییرات ناشی از منافعی است که چینی‌ها از تحولات منطقه به دست آورده‌اند. مهم‌ترین منفعت پکن شکست طرح کریدور IMEC بود که برای خنثی‌سازی ابتکار کمربند و جاده چین، و تقویت هند به عنوان رقیب مهم این کشور طراحی شده بود. این مناشکار شده است. چین برای توسعه اقتصادی خود در این منطقه، به زیرساخت‌های امنیت نیاز دارد و به نظر می‌رسد متوجه این شده است که امنیت در این منطقه توسط محور مقاومت تأمین می‌شود. بنابراین شرایطی که با آن مواجه هستیم اشتراکات روزافزون ایران و محور مقاومت با چین، و نیاز دوطرفه آنان است.

ایران و محور مقاومت سال‌ها علیه نظم آمریکایی در منطقه فعالیت کرده‌اند و اکنون نبض تحولات غرب آسیا را در دست دارند. همچنین محور مقاومت از سری عوامل هم‌گرا و هویت‌بخش که عمدتاً تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران هستند بهره می‌برد. این عوامل ریشه در هویت‌های مذهبی، قومی، فرهنگی، جغرافیایی، و سیاسی منطقه دارند.

<sup>۳۳</sup> گزارش خبرگزاری دولتی چین: سند دفاع ملی چین در عصر جدید - ۲ مرداد ۱۳۹۸ (۲۴ جولای ۲۰۱۹)

[https://english.www.gov.cn/archive/whitepaper/۲۴/۲۰۱۹-۷/content\\_WSod۳۹۴iddc۶d-۸۴-۸f۵-۲۳۸۳d.html](https://english.www.gov.cn/archive/whitepaper/۲۴/۲۰۱۹-۷/content_WSod۳۹۴iddc۶d-۸۴-۸f۵-۲۳۸۳d.html)

<sup>۳۴</sup> مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی CSIS: تنگنای وحیم: تلاش چین برای تأمین منافع انرژی خود در خاورمیانه - بهمن ۱۴۰۱ (فوریه ۲۰۲۳)

<https://features.csis.org/hiddenreach/china-middle-east-military-facility/>

<sup>۳۵</sup> سایت خبری CTECH اسرائیل: رئیس بن‌در اشدود گفت بن‌در حیفا که توسط چین اداره می‌شود باید در طول جنگ به دلیل "روابط با ایران و روسیه" بسته شود - ۱ بهمن ۱۴۰۲ (۲۱ ژانویه ۲۰۲۴)

<https://www.calcalistech.com/ctechnews/article/yj۶۰mlg۶a>





این مزیت‌های مقاومت نشان می‌دهد در دوران پس از نظم آمریکایی، محور مقاومت نقش اصلی و تعیین‌کننده را در معادلات غرب آسیا ایفا می‌کند و قدرت‌های نوظهور مانند چین برای تحقق اهداف‌شان در منطقه، راهی جز همکاری با مقاومت ندارند. از طرفی چین که آمریکا و قدرتش را به چالش کشیده، برای پیشبرد اهداف مهم خود در منطقه چاره‌ای جز تعامل با ایران و مقاومت ندارد. در واقع ایران و یارانش می‌توانند امنیت و ثبات را برای برنامه‌های چین در منطقه فراهم کنند و چین نیز می‌تواند بستر توسعه اقتصادی و زیرساختی را برای آنان ایجاد کند.

## نیاز دوطرفه و لزوم تغییر الگوی روابط

عملکرد محور مقاومت در منطقه تاکنون به سود چین، سایر قدرت‌های نوظهور و تمام مخالفان هژمون آمریکایی بوده است. چرا که اولین بار در منطقه غرب آسیا و به دست محور مقاومت بود که هژمون قدرتمند آمریکایی طعم شکست را تجربه کرد. به همین سبب در حال حاضر عملکرد محور مقاومت در منطقه بیش از هر زمانی به سود چین و دیگر تحول‌خواهان است. وقایع ۷ اکتبر بار دیگر اثبات کرد نمی‌توان بدون در نظر گرفتن بازیگران اصلی امنیت‌ساز منطقه، برای آن نسخه تجویز کرد. به عبارت ساده‌تر، تمام کشورها برای حفظ ثبات و تأمین منافع خود در منطقه باید با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران همکاری جدی بکنند. اکنون فرصت بی‌نظیری برای قدرت‌های تحول‌خواه و به‌طور ویژه چین است تا با حمایت از ایران و مقاومت بتوانند به اهداف خود در منطقه دست پیدا کنند. چین ثابت کرده که فعلاً قصد حضور سخت و مداخله در امور کشورها را به سبک آمریکایی ندارد و توسعه روابط بر مبنای اقتصاد اولویت‌کنونی آنان است. در صورتی که چین بخواهد به مرتفع شدن مشکلات اقتصادی ایران و همراهانش در محور مقاومت کمک کند، بی‌شک پاسخی که دریافت می‌کند ثبات و امنیت لازم برای پیشبرد اهداف راهبردی‌اش خواهد بود. الگوی توسعه روابط ایران و چین با توجه به تجربیات کشورهای منطقه با این کشور می‌تواند گره‌گشا این موضوع باشد. چینی‌ها در مسیر کریدور CPEC به توسعه زیرساخت‌های پاکستان پرداختند<sup>۲۶</sup> و یا در عمان در بنادر این کشور سرمایه‌گذاری کردند و موجب توسعه و رونق آن شدند. این‌ها مواردی هستند که امکان اجرای آن در ایران نیز وجود دارد. همچنین چین در کنار عربستان، با تعریف پروژه مشترک در ازبکستان الگوی سرمایه‌گذاری در کشور ثالث را نیز ارائه کردند.<sup>۲۷</sup> می‌توان از این الگو در عراق و سوریه استفاده کرد. در صورتی که نوع تعاملات چین به دقت مورد بررسی قرار گیرد و البته اراده‌ای برای تغییر وضعیت کنونی وجود داشته باشد، می‌توان الگوی مناسبی برای توسعه روابط با چین متناسب با شرایط ایران و متحدانش ارائه داد.

### نویسنده

پارسا خورشیدی - مسئول محور چین در منطقه

<sup>۲۶</sup> مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل: سلسله گزارشات بررسی حضور چین در منطقه‌ی غرب آسیا - پاکستان - ۷ اسفند ۱۴۰۲  
<https://isacenter.ir/۲۱۴۰۲۲۰۷۰۸-۰/>

<sup>۲۷</sup> مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل: سلسله گزارشات بررسی حضور چین در منطقه‌ی غرب آسیا - عربستان - ۲۳ بهمن ۱۴۰۲  
<https://isacenter.ir/۲۱۴۰۲۱۲۳۱۱-۰/>





## لزوم استفاده از فرصت مقابله‌ی اقتصادی و سیاسی با رژیم صهیونیستی

### مقدمه

رژیم صهیونیستی در سالیان گذشته پیوسته در حال کشتار مردم فلسطین بوده است و بعد از عملیات طوفان الاقصی نیز این حملات را در نوار غزه تشدید کرده و به گفته کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل، در حال نسل‌کشی است. در روزهای اخیر نیز در رفح دست به جنایت جدید زد و چادرهای آوارگان فلسطینی را در رفح بمباران کرد. اما رژیم صهیونیستی در این اقدام تنها نیست و بعضی کشورها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در این جنایات همراه هستند.

کمک به رژیم صهیونیستی و همراهی با آن وجوه مختلفی از جمله کمک‌های نظامی، اطلاعاتی و... دارد. یکی از مهم‌ترین موارد، تجارت با این رژیم و کمک به حفظ جریان مالی آن است که با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، کشورهای جهان اسلام نیز مراودات تجاری با رژیم صهیونیستی در حوزه‌های مختلف مانند انرژی، مواد غذایی و... دارند.<sup>۲۸</sup>

به دلیل جنایات صورت گرفته توسط رژیم صهیونیستی بعد از عملیات طوفان الاقصی، افکار عمومی جهان به مقابله با این رژیم برآمده و تاکنون اقداماتی مانند جلوگیری از پهلوگرفتن کشتی اسرائیلی در سیدنی، امتناع کارگران بنادر هند از بارگیری سلاح جهت انتقال به سرزمین‌های اشغالی، زنجیره انسانی مردم اردن در مسیر کریدور ایجاد شده برای انتقال کالا به سرزمین‌های اشغالی، یورش مردم به شرکت نفت و گاز ملی آذربایجان با نام SOCAR که در زنجیره تامین نفت و گاز رژیم فعال می‌باشد و آتش زدن شرکت اسرائیلی در قزاقستان توسط مردم، صورت گرفته است. تمام این‌ها نشان از آمادگی بالای افکار عمومی در سطح جهان برای وارد کردن ضربه اقتصادی به رژیم صهیونیستی دارد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشانی مبارزه با رژیم صهیونیستی و حمایت از محور مقاومت و مردم فلسطین، هرچند مراوده تجاری با این رژیم ندارد، اما می‌تواند از این ظرفیت به وجود آمده برای مبارزه با رژیم صهیونیستی استفاده کند و آن را به سمت گلوگاه‌های اقتصادی رژیم هدایت کند. جمهوری اسلامی ایران باید از این فرصت نهایت استفاده را کرده و به عنوان محرک اصلی برای تحریم رژیم صهیونیستی توسط سایر بازیگران عمل کند. زیرا تحریم یکجانبه استفاده کالاهای صهیونیستی یا کالاهای حامیان این رژیم در ایران، آسیب اقتصادی به رژیم صهیونیستی وارد نمی‌کند و باید به دنبال تحریم این رژیم توسط سایر کشورها نیز بود. این موضوع خواست مقام معظم رهبری است و آن را راهبردی می‌دانند.

۲۸. داشبورد تجارت کالایی رژیم صهیونیستی با کشورهای جهان و همچنین همکاری‌های آن در حوزه‌های نفت و گاز با جهان اسلام، در صفحه‌ی برنامه تحریم رژیم صهیونیستی در تارنمای مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل (آیسا سنتر) قابل مشاهده است.





ایشان بارها بر این موضوع تاکید داشتند. ایشان در دیدار مردم خوزستان و کرمان در ۲ دی ۱۴۰۲ فرمودند: «امروز وظیفه است که دولت‌های مسلمان نگذارند کالا و نفت و سوخت و مانند اینها به رژیم صهیونیستی برسد، همچنان که او نمیگذارد آب به مردم غزه برسد؛ این وظیفه‌ی دولت‌های مسلمان است. وظیفه‌ی ملت‌های مسلمان [هم این] است که از دولت‌های خودشان بخواهند هرگونه کمکی [به رژیم صهیونیستی] را قطع کنند، بلکه رابطه‌های خود را قطع کنند؛ اگر قادر نیستند رابطه‌ی خود را به طور دائم قطع کنند، لاقلاً به طور موقت قطع کنند روابط خودشان را، فشار بگذارند روی این عنصر خبیث ظالم خونخوار سفاک.»

تحریم رژیم صهیونیستی و قطع تجارت با آن به ویژه در جهان اسلام، در گام اول آثار مثبت فراوانی برای جبهه مقاومت و ایران در پی دارد که یکی از آن‌ها هم‌افزایی افکار عمومی و منزوی کردن رژیم صهیونیستی است که می‌توان از آن استفاده و گام‌های بعدی را نیز تعریف کرد. مقام معظم رهبری روش رسیدن به این هدف را نیز آگاه کردن افکار عمومی کشورها توسط نخبگان و فشار آن‌ها بر دولت‌هایشان می‌داند. به علاوه باید در نظر داشت که رسیدن به این هدف مستلزم رعایت الزاماتی است که در ادامه بیان می‌شود.

### مولفه‌های اعمال تحریم و الزامات اثرگذاری آن

از نظر فنی، برای اعمال تحریم هر نهاد یا کشوری، سه ضلع مورد نیاز است: منبع قدرت، اطلاعات و کارگزار اعمال تحریم. هم‌چنین آمریکا به عنوان کشوری که بیشترین میزان اعمال تحریم را در تاریخ بین‌الملل دارد، نظام تحریمی خود را بر اساس این سه ضلع بنا کرده است و از این ابزار به عنوان یک ابزار راهبردی استفاده می‌کند. منبع قدرت، به معنای نیرویی است که با تکیه بر آن بتوان معادله هزینه-فایده طرف مقابل را تغییر داد؛ یعنی هزینه همکاری با کشور یا نهاد هدف تحریم را بالا برد. منبع قدرت آمریکا در اعمال تحریم، اقتصاد بزرگ این کشور و داشتن ارز جهان‌روا است. به این معنی که طرف‌های خارجی، به دلیل نیاز به دلار به عنوان ارز جهان‌روا برای مبادله و نیاز به دسترسی و حضور در اقتصاد آمریکا، ترجیح می‌دهند همکاری خود با اهداف تحریمی آمریکا را محدود یا قطع کنند تا مشمول مجازات‌های ایالات متحده نشوند.

به دلیل کوچک و آسیب‌پذیر بودن اقتصاد کشور، اقتصاد نمی‌تواند این کارکرد را برای ایران داشته باشد. منبع قدرتی که جمهوری اسلامی می‌تواند از آن علیه رژیم صهیونیستی و برای اعمال تحریم ثانویه بر رژیم استفاده کند، افکار عمومی جهان (به ویژه جهان اسلام) است. آمریکا نیز در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ به دلیل کم‌شدن اثرگذاری تحریم، سعی در استفاده از همین منبع قدرت را علیه جمهوری اسلامی داشت.





پس از عملیات وعده صادق، جایگاه جمهوری اسلامی ایران نزد افکار عمومی جهان به عنوان کشوری که وارد تقابل مستقیم با رژیم صهیونیستی شده و حامی میدانی مردم فلسطین است، ارتقاء یافته و می‌توان از این ظرفیت به عنوان منبع قدرت استفاده کرد. ضمن آن‌که در ماه‌های گذشته مواردی از اثرگذاری افکار عمومی بر رژیم صهیونیستی را شاهد بودیم؛ مانند اخلال در ترانزیت انرژی ارسالی به سرزمین‌های اشغالی در نتیجه‌ی تجمع مردم عراق در مرز این کشور با اردن.

به‌منظور همراه کردن افکار عمومی جهان، لازم است اهداف تحریمی به درستی و دقیق انتخاب شود. برای این کار باید گلوگاه‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی شناسایی و اطلاعات آن منتشر شود. همچنین بخش‌هایی که می‌تواند با کنش مردمی مختل شود انتخاب و مجموعه کنش‌هایی برای پیوند زدن گلوگاه‌ها با منبع قدرت طراحی شود. این موضوع اهمیت ضلع دیگر اعمال تحریم، یعنی شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات را نشان می‌دهد. این کار باید توسط کارگزار تحریم که ضلع سوم اعمال تحریم است انجام شود.

رژیم صهیونیستی تاکنون درگیر تحریم و فشار اقتصادی نبوده است، اطلاعات اقتصادی آن در دسترس است و صرفاً باید گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل شود.

مسئولیت دیگر کارگزار تحریم، هدایت منبع قدرت به سمت اهداف و گلوگاه‌های شناسایی شده بر اساس اطلاعات به دست آمده است. برای مثال در آمریکا، وزارت خزانه‌داری مسئولیت آن را برعهده دارد.

جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که توانایی ایفای نقش کارگزار تحریم علیه رژیم صهیونیستی را دارد و با توجه به بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر این که مبارزه با رژیم صهیونیستی «از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است»<sup>۳۹</sup>، باید از تمام ظرفیت‌های خود مانند دیپلماسی رسمی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی پنهان و سایر ابزار در این راستا استفاده کند.

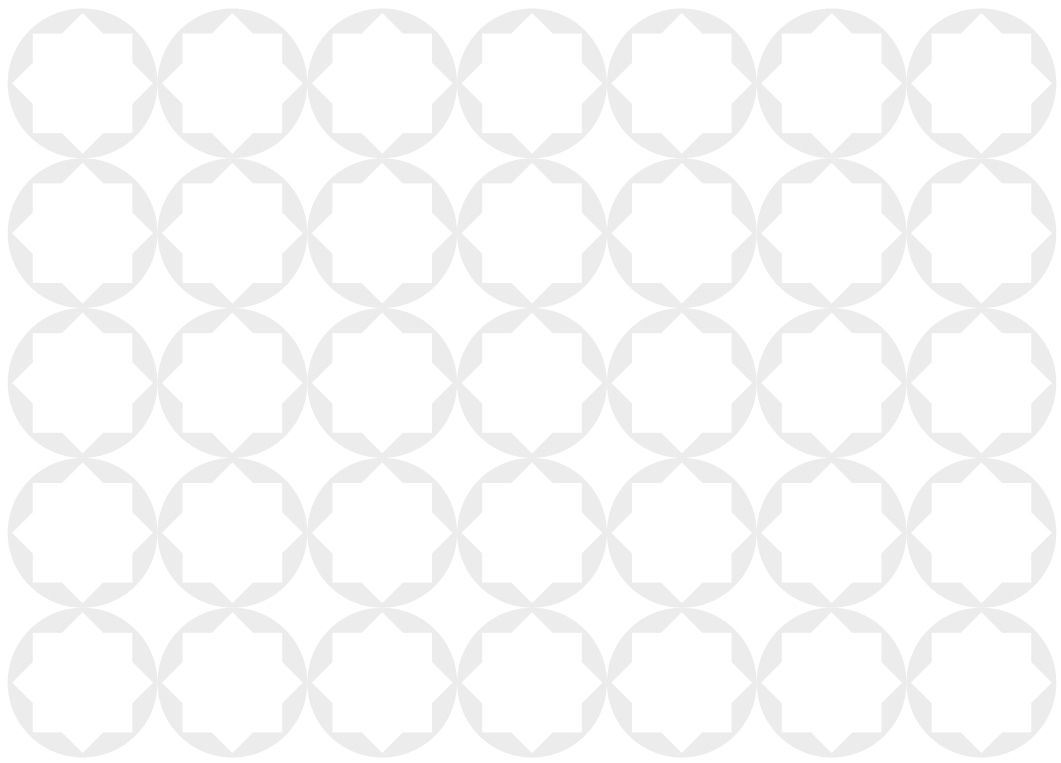
تلاش برای ضربه اقتصادی به رژیم صهیونیستی در راستای منافع ملی کشور است و در صورت عملیاتی شدن، جمهوری اسلامی پس از سال‌ها در حوزه اقتصاد از حالت تدافعی خارج می‌شود و آرایش تهاجمی به خود می‌گیرد. هم‌چنین این مسیر ابزاری را در اختیار ایران قرار می‌دهد که با استفاده از آن می‌تواند علاوه بر حوزه‌های امنیتی و نظامی، در حوزه‌های اقتصادی نیز به رژیم صهیونیستی ضربه وارد کند. گسترش حوزه‌های ضربه به رژیم صهیونیستی با توجه به بیانات رهبری مبنی بر این که «شرایط کنونی منطقه به گونه‌ای است که هم برای دشمن صهیونیستی شرایط مرگ و زندگی است و هم برای جبهه حق»، لازم و ضروری است؛ به علاوه جمهوری اسلامی می‌تواند در آینده از زیرساخت به وجود آمده علیه سایر دشمنان خود نیز استفاده کند.

#### نویسنده

محمد خانزاده - مدیر برنامه‌ی تحریم رژیم صهیونیستی

۳۹. بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۳ اردیبهشت ۱۳۸۰





**ISA CENTER**  
International & Strategic  
Analysis Center